

آیین‌ها

نشریه دوماهانه بخش مطبوعاتی - فرهنگی سفارت هند (تهران)

شماره سی ام، اکتبر ۲۰۰۹ م، مهر ۱۳۸۸ ش.



مدرسه سفارت هند - تهران

(یک مدرسه بین المللی عالی)

نکات برجسته:

- پیش دبستانی تا کلاس دوازدهم
- تمام درس ها به زبان انگلیسی تدریس می شود
- آموزش با کیفیت عالی با تأکید بر رشد شخصیتی منسجم
- گروه معلمان و دبیران بسیار ماهر و متعهد
- آزمایشگاه های کاملاً مجهز
- کامپیوتر با دسترسی به اینترنت
- فعالیتهای ورزشی (داخل سالن و هوای آزاد)
- آمفی تئاتر چند منظوره
- سرگرمی های همزمان برای عرضه و بهبود بخشیدن استعدادها
- وابسته به هیئت مرکزی آموزش متوسطه (Central Board of Education)، دهلی نو
- تسهیلات ایاب و ذهاب از تمام نقاط شهر
- چند ملیتی به معنای واقعی (شاگردان بیش از ده کشور مشغول تحصیل هستند)
- تشویق نوآوری، ابتکار و خلاقیت
- القا و آموزش ارزش سکولار و انسانی
- بوفه با خوراکی های بهداشتی

رئیس مدرسه : آقای یشپال سینگ (Mr. Yashpal Singh)

تلفن: ۰۰۹۸-۲۱-۷۷۵۳۴۶۴۰

دورنگار : ۰۰۹۸-۲۱-۷۷۵۲۰۲۴۲

نشانه الکترونیکی : kvtehran@yahoo.com

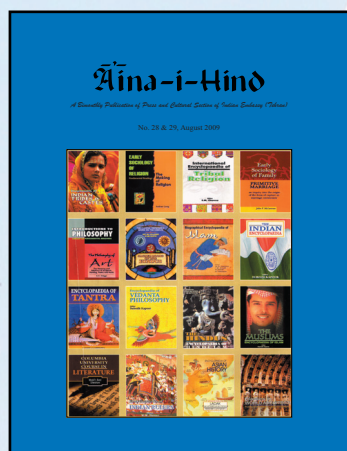
آئینه هند (نشریه بخش مطبوعاتی - فرهنگی سفارت هند - تهران)

شماره سی ام، اکتبر ۲۰۰۹ م، مهر ۱۳۸۸ ش.

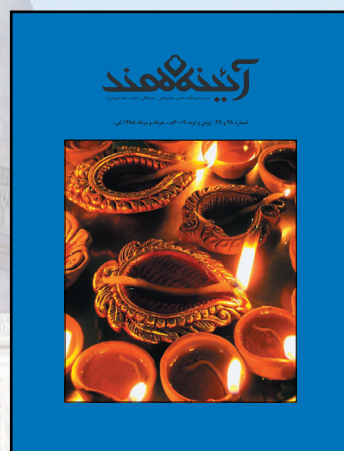
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

مدیر مسئول: وینای کومار (کنسول)

مترجم و ویراستار: سید عبدالقادر هاشمی



انتشارات هند



شمع های دیوالی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	فستیوال ها در هنر هندی / متن: اوتپال. کی. بانرجی (Utpal K. Banerji)
۸	رقص محلی / نویسنده: ماجوج کی. جها (Majoj K. Jha)
۹	جهان عاری از تسلیحات اتمی / سخنان راجیو گاندی در سازمان ملل متحد
۱۳	پیوستگی های زبانی و ادبی در بعضی زبانهای شرقی / دکتر رضا مصطفوی سبزواری
۱۸	موقعیت صائب و شاعران سبک هندی در شبه قاره / دکتر فرزانه اعظم لطفی
۲۱	میراث مهاتما گاندی
۲۳	انتشارات آموزشی؛ گنجینه فرصت / متن: آجای شوکلا (Ajay Shukla) / مترجم: مریم حسینی متقاعد
۲۹	بقیه موقعیت صائب و شاعران سبک هندی در شبه قاره
۴۱	جونپور؛ شیراز هند / متن و عکس: ممتا آر سینگ و راجیش کی. سینگ (Mamta R. Singh & Rajesh K. Singh)
۴۶	قوانین کپی رایت در هند

خوانندگان عزیز و گرامی! ما از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کنیم و از شما دعوت می کنیم که مقالات و نوشته های خود را راجع به

روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایران و هند (به صورت افتخاری) برای انتشار در این مجله ارسال نمایید.

نشانی ما عبارت است از: تهران - خیابان میرعماد - شماره ۴۶ یا تهران صندوق پستی شماره ۴۱۱۸-۱۵۸۷۵

نشانی الکترونیکی: indemteh@dpimail.net - دورنگار: ۸۸۷۵۵۹۷۳ - ۸۸۷۴۵۵۵۷

علاقه مندان به این مجله می توانند با نشانی مجله مکاتبه نمایند تا برای آنها به طور رایگان ارسال گردد.

فستیوال در هنر هندی

متن: اوتپال. کی. بانرجی (Utpal K. Banerji)

و جشن های کریسمس و جمعه مقدس مسیحیان در گوآ و تقریباً در سراسر هند؛ جشن کازا در قلعه های بودایی لداخ (Ladakh)، لاهول و سپیتی (Spiti) و سیکیم (Sikkim). آنها همراه با تعداد زیادی دیگر، سایه روشن خارق العاده ای را به وجود می آورند که تقریباً همیشه با هنرهای نمایشی و تجسمی در ارتباط بوده است.

مدرک کتیبه ای درباره فستیوال هایی که در هند از دوران ودیک جشن گرفته می شدند وجود دارد. هنگامیکه جدا از روزه داری و عبادتها، صحنه های تماشایی تئاتری، اجتماعات موسیقی سازی و آوازی، رقص های انفرادی و نمایش های رقصی، مسابقات قایق رانی و ارابه سواری و رویدادهای ورزشی دیگر وجود داشتند.

داستانهای حماسی رامایانا (Ramayana) و مهابهارتا (Mahabharata) جشن های خاصی را برای برخی رویدادهای مهم نقل می کنند. جاتاگاهها (Jatakas = داستانهایی که زندگی های پیشین بودا را حکایت می کنند) به ساماجاها (Samajas = نوعی فستیوال) اشاره می کنند که با رقص، آواز، موسیقی سازی و اجراهای نمایشی همراه بود و روزها طول می کشیدند.

فستیوال ها و بازار مکاره ها عمیقاً عنوان فرهنگ هندی را تأکید می کنند. آنها اثر التقاطی بسیار پرمایه رنگها و برجسته کاری ها، تنوع و شور و نشاط را برای موضوعات تکراری زندگی نه تنها به عنوان مواقع مذهبی و اجتماعی اجتماعات شادی آفرین مردان، زنان و کودکان بلکه به عنوان بازتاب های احساسات ذاتی و فطری مردم با ریشه های اجتماعی و تاریخی ارجمند و گرامی ایجاد می کنند.

آدم در روند پایان ناپذیر فستیوال ها-معنوی، فصلی یا غیر مذهبی- نمایش کلی جشن ها را مشاهده می کند که رگ حیاتی هند را می سازند: ماکار سنکرانتی (Makar Sankranti) و دیپاولی (Deepavali) در سراسر هند؛ راکشابندهان (Raksha Bandhan) و بهایی دوج (Bhai Duj) در شمال هند؛ شیواراتری (Shivaratri) در واراناسی و چیدامبارام؛ هولی (Holi) در ماتورا، جنماشتامی (Janmashtami) در وریندابان (Vrindaban) و ایمفال (Imphal)؛ دسهرام، رام لیلا (Ramlila) و دورگا پوجا (Durga Puja) در کوللو (Kullu)، میسور، دهلی و کلکته؛ فستیوال های عید الفطر، عید الاضحی و مراسم محرم مسلمانان در دهلی، لکنئو و حیدرآباد؛ جشن نوروز جمشید پارسیان در ممبئی



۲. فستیوال رنگها، هولی

ادبیات باستانی هند اشاره های فراوانی به جشنها دارد. مردم زمانی از یکنواختی کارهای روزانه خسته شده نیاز به استراحت داشتند، فستیوال ها موقعیت هایی بودند که آنها بهترین لباسها و جواهراتشان را می پوشیدند. خانه ها و مسکن هایشان را تزئین می کردند و همراه با جشن و سرور و روزه داری، آواز می خواندند و می رقصیدند. این موضوع در زمانی دیگر، تلاش برای ارتباط یافتن، هم دورنی و هم بیرونی با مادر طبیعت، با خداوند متعال و با اعماق عمیق ترین لذت و شگفتی شان بود. همراه با اشتیاق به ارتباط، انگیزه فوری برای بیان افکار و احساسات از طریق هنرهای نمایشی و تجسمی به وجود آمد.

در ادبیات هندی، جشن برداشت برنج در طول فصل بارندگی، در راج ترانگانی (Rajtarangini) تألیف کالهان (Kalhan) نشان داده بود. وسانت اوتسو (Vasantotsava = جشن بهار) یکی از مشهورترین فستیوال ها در راکهووامسا (Raghuvamsa) تألیف کالیداس (Kalidasa)، راتناوالی (Ratnvali) تألیف هارشا و کاویامیمانسا (Kaviyamimansa) تألیف راجاشیکهر

(Rajasekhara) با تک نوازی های موسیقی و رقص بود.

دوهادا (Dohada)، یک فستیوال مهم در مورد پرستش درختان، در کاراپورامنجرری (Karapuramanjari) تألیف راجاشیکهر هنگامی جشن گرفته می شد که درخت کوروواکا (Kuruvaka) هنگامی شکوفا می شد که دوشیزه ای عجول آن را بغل می کرد. در میگهادوتا (Meghaduta) تألیف کالیداس درخت باکولا (Bakula) نیز به همین ترتیب هنگامی شکوفه می دهد که از دهان دختران جوان شراب بر روی آن پاشیده شود.

در هنرهای تجسمی جشن هولی را می توان در قاب برجسته منحصر به فردی از معبد ویجایانگرا (Vijayanagara) در هامپی با رقص دوشیزگان مشاهده کرد. مکتب کانگرا، نقاشی های مینیاتوری فوق العاده ای دارد که کریشنا و همراهانش را در حال اجرای هولی با گویی های دلفریب (gopis = دختران شیردوش) نشان می دهد.

نقاشی های تاریخی میوار (Mewar)، مهارانا (Maharana)



۱. کریشنا و همراهانش هولی را جشن می گیرند



۳. جنماشتمی (Janmashtami)

کشور اجرا می شود. در میان دسهره، افسانه چاندی وجود دارد که ناراکاسورای (Narakasura) دیو را با نیرو و سلاح هایی گلچین شده از همه خدایان، می کشد (مفهوم افسانه ای نابودی شر و بازگشت صلح و آرامش که در وجود اجتماعی هر ساله مجسم می شود) و افسانه راما که راوانای دیو را بعد از عبادت دورگا (Durga) می کشد (مفهوم افسانه ای دیگری از پیروزی خیر). این مفاهیم اسطوره ای با آهنگ های بیشماری در طول مراسم پرستش سالیانه دورگا در بنگال، بیهار و اوریسا جشن گرفته می شوند. این مراسم هم چنین به معنای ورود دختر شوهر کرده به خانه پدری اش در نظر گرفته می شود. در تامیل نادو، کرالا، آندرا پرادیش و کرناتک سرسواتی پوجا (Saraswati puja) در خانه هایی که با بتها

را با همراهانش و اشراف نشان می دهد که هولی را جشن می گیرند. جالب است که برخی نقاشی های دکنی (Deccani)، شاهزاده ای مسلمان را نشان می دهد که با شاهزاده ها و دوشیزگان جشن هولی را برگزار می کند. مجسمه معروفی دیگر که نماینده آمریتا ماتانا (Amrita Manthana) (بر هم زدن اقیانوس برای گرفتن آب حیات است) که در فستیوال معبد سابری مالایی (Sabrimalai) در کرالا برگزار می شود. رایج ترین هنر تجسمی در تزئینات سقف و دیوار در سرتاسر هند مشاهده می شود و بیشتر زنان آن را در همه موقعیت های جشنی بکار می برند.

در هنرهای نمایشی، معروف ترین فستیوال در موقعیت دسهره (Dussehra) وجود دارد که برای آن رسوم نذری در سراسر



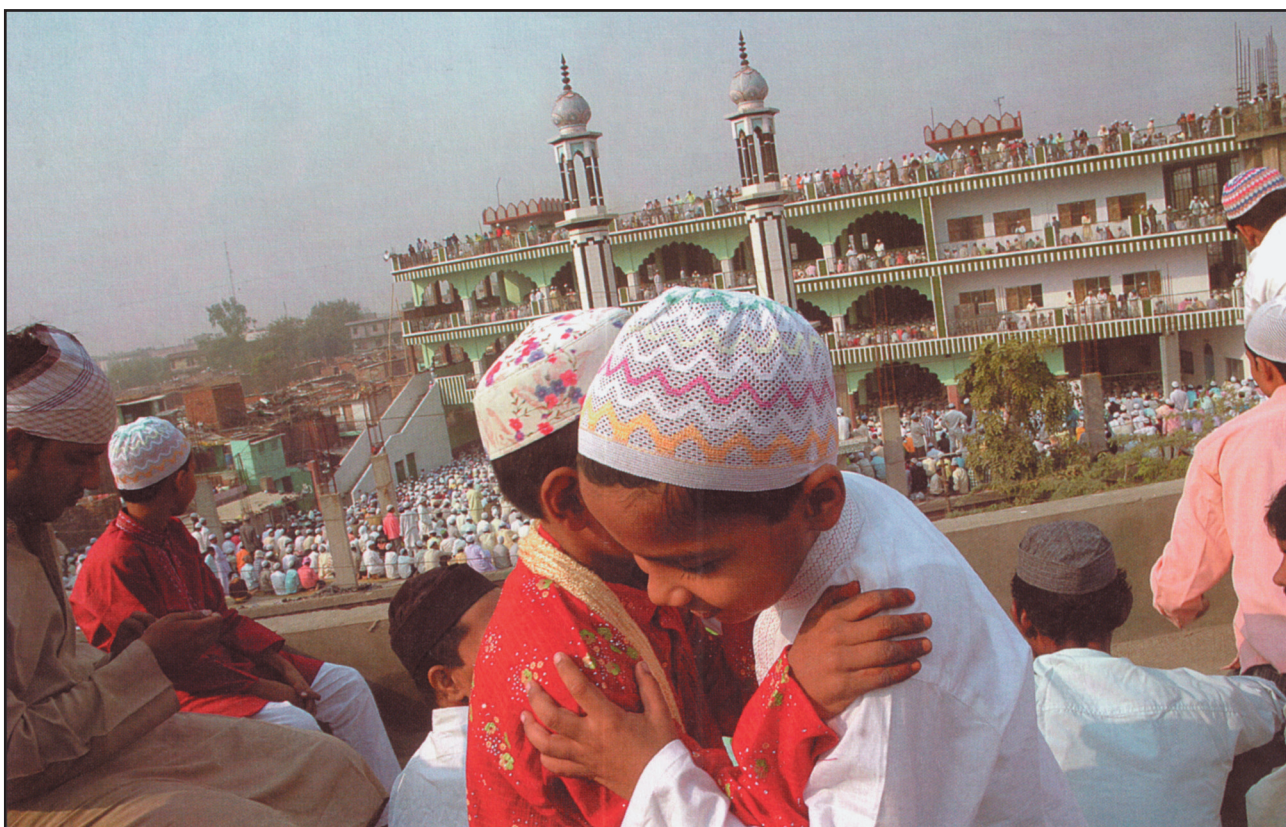
۴. جشن های کریسمس



۵. وسانت اوتساوا (Vasantotsava) - فستیوال بهارہ



۶. رقص دندیا (Dandiya)



۷. جشن های عید الفطر



۸. دورگا پوجا (نمایش دورگا)

آندرا پرادش، جاترا و چاندی جاترا (Chandi Jatra) در بنگال غربی، تمشا (Tamasha) و چیترا کاتھی (Chitrakathi) در مهاراشترا، کاری یالا (Kariayala) در هیمالچال پرادش، پرهلادا ناتاکا (Prahlada Nataka) در اوریسا، سوانگ (Swang) در مادیا پرادش، تریاتار (Trayattar) در تامیل نادو و یاکشاگانا (Yakshagana) در کاماتاکا (Kamataka) هستند. همه عروسکهای سنتی خیمه شب بازی سایه ای در هند جنوبی با فستیوال های معبد مرتبط هستند. بنابراین، فستیوال ها در هند، همیشه هماهنگی انسان با طبیعت هم چنین با خدایان و الهه هایی را منعکس می سازد که خیال پردازی نیستند، بلکه تجسم های آنان هدفمند هستند و دارای هدف هایی که باید به ثمر برسد. این ارتباطات اساس و شالوده فستیوال های هندی هستند که ادبیات و هم چنین هنرهای نمایشی و بصری را با نیروهای ارتباطی فوق العاده تحت تأثیر قرار داده اند.

♦ نویسنده در مورد هنر و فرهنگ هندی نوشته های بسیار دارد. این مقاله در شماره نوامبر ۲۰۰۱ India Perspectives منتشر شده است.

• منبع: مجله انگلیسی India Perspectives، نوامبر-دسامبر ۲۰۰۸م.

ترتین شده اند، برگزار می شود. دسه‌های دیدنی مایسور و مهیشاسورا مردینی (Mahishasura Mardini) بنگال، موقعیت های آوازهای آهنگین، نواختن ناداسوارام (nadaswaram)، آواز و اجراهای رقص باقی می ماند. به همین ترتیب عقاید مذهبی از هر رنگی، موقعیت هایی برای جشن در هر قسمت از کشور هستند. حتی فصول برداشت با رقص های شاد در سراسر کشور برگزار می شوند.

تعداد زیادی از فستیوال هایی که در روستاها جشن گرفته می شوند محلی هستند که به افتخار گرام دیوتاها (gram devtas = الهه های روستایی) برای جلب حمایت آنان یا گراها دیوتاها (=grahadevtas = الهه های خانگی) برای خشنود ساختن آنان برگزار می شوند. تعداد زیادی از قبایل در هند تولدها، نامزدی ها، عروسی ها و سفرهای شکار را نیز با موسیقی و رقص جشن می گیرند.

اشکال تئاتر سنتی بسیاری وجود دارد که با فستیوال های خاص ارتباط ندارد اما عموماً در موقعیت های جشن اجرا می شوند. اینها در میان تعداد دیگری شامل آنکیا نات (Ankia Nat) و اوجاپالی (Oja Pali) در آسام، سومان لیلیا (Suman Lila) در مانی پور، بهاواپی (Bhavai) در گجرات، بُراکاتها (Burrakatha) در

رقص محلی

نویسنده: ماجوج کی. جها (Majoj K. Jha)



در ایالت مادیا پرادش (Madhya Pradesh)، رقص و موسیقی محلی قبایل ناحیه چهوتاناگپور (Chhotanagpur) خصوصیت برجسته فرهنگشان است. رقص های موندا (Munda)، اوراؤن (Oraon)، سنتال (Santhal) و دیگر رقص ها، در طول هر جشن مذهبی یا هر موقعیت مهم اجتماعی دیگری اجرا می شوند. قبایل برای همه مراسم مذهبی یا اجتماعی - مذهبی، مجموعه آهنگها و رقص های متناسب با آن را دارند. رقص هایشان که پر شور، تماشایی و هیجان انگیز هستند، نظم فوق العاده ضرب آهنگ و فرهنگ عامه را به نمایش می گذارند. آنها صرفاً مایه سرگرمی نیستند؛ آنها قسمتی از شیوه و روش زندگی شان هستند.

بسیاری از زبان های محلی نوشته نشده است اما بسیار آهنگین و شامل بسیاری از نمادها هستند و بسیاری از آهنگها از نسلی به نسل دیگر از طریق شفاهی رسیده اند.

● منبع: مجله انگلیسی India Perspectives، ژوئن ۱۹۹۷م.

قبایل فقط یک موقعیت می خواهند تا رقص اجرا کنند.

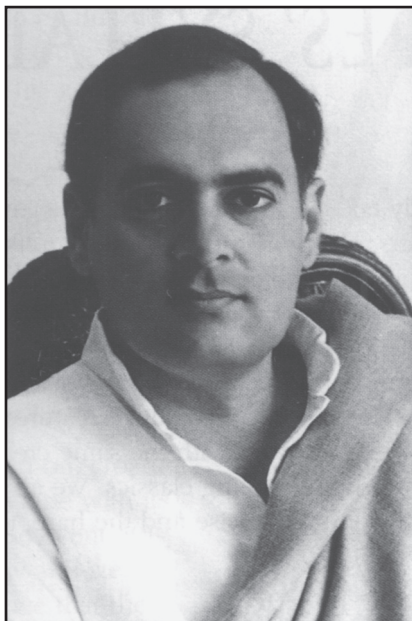
جهان عاری از سلاح های اتمی

آقای راجیو گاندی*، نخست وزیر وقت هند، در سومین اجلاس فوق العاده مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ژوئن سال ۱۹۸۸ میلادی ایراد سخنرانی کرد و جامعه ی بین الملل را برای مذاکره در مورد پیمان لازم الاجرا برای خلع سلاح عمومی و کامل دعوت کرد.



ما در حال نزدیک شدن به پایان قرن بیستم هستیم. این قرن خونین ترین قرن در تاریخ بوده است. پنجاه و هشت میلیون نفر در دو جنگ جهانی جان خود را از دست داده اند. بیش از ۴۰ میلیون نفر در دیگر درگیری ها کشته شده اند. همانطور که ما می دانیم این به معنای پایان زندگی بر روی سیاره ی زمین خواهد بود. ما به سازمان ملل آمده ایم تا حمایت شما را جلب کنیم. ما برای متوقف ساختن این جنون، خواستار حمایت شما هستیم. توهم خطرناکی است که باور کنیم سلاح های اتمی برای ما صلح به ارمغان آورده اند. کسانی وجود دارند که استدلال می کنند جنگ هسته ای واقعا نمی تواند اتفاق بیفتد. هیچ تجربه و یا منطقی نمی تواند چنین آسودگی خاطر را تأیید کند. طرفداران بازدارندگی اتمی - سیاست جلوگیری از جنگ که مبتنی بر ترس دشمن از سلاح های پر قدرت حریف است - استدلال می کنند که سلاح های اتمی اختراع شده اند و بنابراین نمی توان آن را به کناری گذاشت؛ ما موافق نیستیم.

* [نخست وزیر پیشین هند، دختر جواهر لعل نهرو و مادر راجیو گاندی و سانجی گاندی که خویشاوندی با مهاتما گاندی نداشت و چون شوهر ایندیرا گاندی، فیروز گاندی نام داشت، این نام خانوادگی را انتخاب کرد.]



ما نمی توانیم این منطق را بپذیریم که چند کشور حق دارند تا با تهدید بشر دنبال امنیتشان باشند. و پذیرفتنی نیست آنانی که تسلیحات اتمی دارند آزاد از همه ی کنترل ها شده اند در حالی که آنانی که بدون سلاح های اتمی هستند در برابر تولید آنها کنترل و نظارت می شوند. کسانی از ما که به بلوک های نظامی متعلق نیستند بسیار ترجیح خواهند داد که از مسابقه خارج بمانند. اما در هنگام ملاحظات تاکتیکی، در نمایش موقت رقابت های قدرت بزرگ، اجازه می یابند تا در برابر منع گسترش سلاح های هسته ای اولویت پیدا کنند. چه آزادی عملی برای ما باقی می ماند؟

حتی قوی ترین قدرت های نظامی درک می کنند که آنها نمی توانند مسابقه ی سلاح های کنونی را بدون به وجود آوردن مصیبت های اقتصادی ادامه دهند.

هنگامی که مجمع عمومی دفعه پیش در اجلاس فوق العاده برای بررسی مسائل خلع سلاح اتمی در اینجا گرد هم آمد، چشم انداز تیره و تار بود. امروز، امید تازه ای برای بقا و برای صلح و آرامش وجود دارد. این تغییر چگونه به وجود آمده است؟ ما از زیرکی و فراست رهبران امریکا و شوروی تجلیل می کنیم. و ما باید هم زمان از نقش "ابتکار عمل شش کشور" و آرزوهای میلیون ها نفر قدردانی کنیم. در زمانی که روابط بین دو دولت بزرگ دارای سلاح اتمی به پایین ترین حدشان رسیده بود، شش کشور آرژانتین، یونان، هند، مکزیک، سوئد و تانزانیا توجه جهانی را بر ضرورت خلع سلاح اتمی دوباره متمرکز کردند. تقاضای ماه مه ۱۹۸۴ توسط ایندرا گاندی*، اولاف پالمه (Olaf Palme) و همکاران آنها، احساس همدردی به وجود آورد. مذاکراتی که برای سالها متوقف شده بود، راه خود را باز کرد. روندی که در جنوا آغاز شد به ریکجاویک (Reykjavic)، واشنگتن و مسکو کشیده شد.

همه ی ما از تصویب معاهده ی INF (نیروهای اتمی میان برد) که بین دبیر کل گورباچف و رئیس جمهور ریگان منعقد شد، استقبال کرده ایم.

ما از جامعه ی بین الملل درخواست کردیم تا فوری مذاکراتی را به منظور قبول طرح عملیاتی (Action Plan) با زمان قطعی متعهد

شود تا نظام جهانی عاری از سلاح های هسته ای و مبنی بر عدم خشونت به وجود آید. ما این طرح عملیاتی در مورد خلع سلاح را به این اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل ارائه دادیم. طرح ما جامعه ی بین الملل را به مذاکره در مورد تعهدی لازم الاجرا در باره ی خلع سلاح عمومی و کلی دعوت می کند. این تعهد باید کامل باشد. باید بدون قید و شرط باشد.

اصل طرح عملی ما، کنار گذاشتن همه ی سلاح های اتمی در سه مرحله در بیست و دو سال آینده است که حالا آغاز می شود. ما این طرح را به عنوان برنامه ای که باید فوری آغاز شود به سازمان ملل عرضه کرده ایم.

ویژگی های اساسی طرح عملیاتی بدین گونه هستند :

اول، برای حذف سلاح های اتمی، در مراحلی حداکثر تا سال ۲۰۱۰ میلادی، باید تعهدی لازم الاجرا توسط همه ی کشورها وجود داشته باشد.

دوم، همه ی دولت های دارای سلاح های اتمی باید در روند خلع سلاح اتمی شرکت کنند. دیگر کشورها نیز باید قسمتی از این روند باشند.

سوم، برای اثبات پاکی نیت و فراهم ساختن اعتماد لازم، باید پیشرفت ملموس و عینی در هر مرحله تا رسیدن به هدف مشترک وجود داشته باشد.

چهارم، تغییرات در نظریه ها، سیاست ها و سازمانها لازم است تا دنیا عاری از سلاح های اتمی باقی بماند. باید مذاکراتی برای ایجاد نظام امنیتی جامع جهانی تحت حمایت سازمان ملل انجام گیرد.

در مرحله ی اول، پیمان INF با کاهش ۵۰ درصدی در زرادخانه های استراتژیکی امریکا و شوروی دنبال شود.

ما پیشنهاد می کنیم که مذاکرات از خود مرحله اول آغاز شوند تا پیمان جدیدی جایگزین NPT شود که در سال ۱۹۹۵ میلادی به پایان می رسد. این پیمان جدید باید به تعهد لازم الاجرای کشور های دارای تسلیحات نظامی جلوه ای قانونی ببخشد تا همه ی سلاح های اتمی را تا سال ۲۰۱۰ کنار بگذارند و همه ی کشورهایی که دارای تسلیحات اتمی نیستند نباید از آستانه ی تسلیحات اتمی عبور کنند. قانون بین الملل هم اکنون استفاده از تجهیزات بیولوژیکی را ممنوع می کند.

برای ممنوعیت سلاح های شیمیایی و پرتوی نیز اقدام مشابه ای باید اتخاذ کرد؛ نگرش خلع سلاح باید برای کنترل ارتقاء مداوم کیفی سلاح های اتمی و غیر اتمی برنامه هایی بریزد. برای نیل به این هدف، شرط لازم شفافیت رو به رشد در بررسی و توسعه ی تکنولوژی های مرزی با استفاده از نیروی نظامی است. در اینجا، بگذارید تصویر دنیایی آزاد را یاد آوری کنیم که یکی از مشهورترین دانشمندان زمان ما، نیلز بهر (Niels Bohr) آن را بیان کرد. او در نامه ی سرگشاده اش به سازمان ملل متحد در نهم ژوئن سال ۱۹۵۰ میلادی سی و هشت سال پیش از امروز گفت :

« همین حقیقتی که خود دانش، پایه ای برای تمدن است به طور دقیق به آزاد اندیشی اشاره می کند که به عنوان راهی برای غلبه بر

بحران های کنونی اشاره می کند.»

سازمان ملل باید با اکثریت آرا نظریه ی جدید راهبردی دفاع غیر تحریک آمیز را به وجود آورد.

ساختار چنین سیستمی باید به طرز قاطعانه بر پایه ی عدم خشونت باشد همانگونه که مهاتما گاندی در مورد نتیجه ی اولین استفاده از سلاح های اتمی گفت :

« درسی که باید از بزرگ ترین فاجعه ی این بمب به طور معقول گرفته شود این است که این به وسیله بمبهای متقابل از بین نخواهد رفت، همچنان که خشونت را نمی توان با خشونت متقابل از بین برد. بشر باید از طریق عدم خشونت از خشونت رهایی یابد. »

درک روز افزون نیاز برای هم زیستی جایگزین دو قطبی شدن پس از جنگ می شود. لفاظی عالی نظام عالی نظام پیمان های نظامی به تدریج تسلیم دیدگاه جنبش عدم تعهد می شود.

نهضت عدم تعهد به دلیل تمایل ملت ها برای آزادی عمل تاسیس شد. این نماینده ی استقلال و خود اتکایی ملی است. همانطور که جواهر لعل نهرو گفت :

« نابودی متقابل جایگزین هم زیستی است. »

این اصول در منشور سازمان ملل وجود دارد اما آنها اغلب تقض می شوند. ما باید از افکارمان برای به وجود آوردن تغییرات سازمانی لازم برای تضمین رعایت آنها، استفاده کنیم. تقویت سیستم سازمان ملل برای امنیت جامعه ی جهانی ضروری است، ما باید سازمان ملل متحد را بر شرایط نظم نوین جهان منطبق کنیم.

مردم دنیا هم در این مجمع وهم بیرون از آن برای صلح، خلع سلاح و توسعه باید دست به مبارزه بزنند؛ زیرا، همانگونه که دهاماپادا ی (Dhammapada) بودا به ما می آموزد :

« افکار ما زندگی ما را شکل می دهند، ما آنچه فکر می کنیم می شویم. مصیبت و بدبختی به دنبال تفکر بد می آید، همانطور که چرخ های یک گاری به دنبال گاوی که آن را می کشد، می آیند.

شادی به دنبال تفکری پاک و خالص می آید مانند سایه ای که هیچ گاه جدا نمی شود چون نفرت هیچ گاه نمی تواند نفرت را از بین ببرد و تنها عشق و محبت می تواند چنین کاری انجام دهد. این قانونی تغییر ناپذیر است. »

این متن خلاصه شده ی سخنرانی نخست وزیر فقید هند - راجیو گاندی - در مجمع عمومی سازمان ملل است که در شماره ی ژوئیه ۱۹۸۸ میلادی مجله ی India Perspectives انتشار یافته بود.

پیوستگیهای زبانی و ادبی در بعضی زبانهای شرقی

از نقش ونگار در و دیوار شکسته
آثار پدیداست صنا دید عجم را

دکتر رضا مصطفوی سبزواری (استاد دانشگاه علامه طباطبایی - تهران)

گزیده مقاله:

داشتن دستور زبانی راحت و بالاخره همه مخارج صوتی بدون تعقید و در نتیجه داشتن روشی آسان برای یادگیری اهل سایر زبانها، همواره مورد استقبال غیر فارسی زبانان بوده است و نقش مهم انتقال فرهنگ غنی ایران و دانشهای ایرانی را به نحو مطلوب به انجام می‌رسانیده است. انتقال ضرب المثلهای واصطلاحات فارسی به زبانهای هندی سبب نزدیکی فراوان فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی و هندی زبان گردیده و اعتلای فرهنگ و ادبیات هر دو زبان را در پی داشته است.

واژه‌های کلیدی: تعامل زبانی، زبان فارسی، عربی، ترکی، هندی، فرهنگ و تمدن، ادبیات.

زبان فارسی از طریق ادبیات پهناور خود گسترش دهنده حجم عظیمی از مفاهیم عرفانی دینی، فلسفی و علوم گوناگونی بوده که به ادبیات زبانهای هندی نیز راه یافته و باعث بارورتر شدن آن گردیده است.

مجموعه پیوندهای یاد شده میان زبانهای فارسی و هندی و از جمله تأثیرات گوناگون واژگانی، دستوری، مثلی، مفهومی، ادبی که زبانهای هندی از فارسی پذیرفته‌اند، سبب گردیده تا فرهنگی مشترک در همه مسائل اجتماعی میان فارسی زبانان و هندی زبانان بوجود آید.

فرهنگ و تمدن مشرق زمین بی‌شک از برکت وجود همین تعاون و داد و ستدهای موجود بین زبانهای یاد شده کمال یافته و غنا بخشیده شده است. زبان اردو که به گفته یکی از استادان گرانمایه اردو زبان «دختر زیبای زبان فارسی»^۱ لقب یافته، یکی از زبانهای مذکور است که با محتوایی غنی از نثر و اشعار پر احساس و به قول قدما مُخیل و هنرمندانه‌اش توانسته به فرهنگ و تمدن دیرینه زبانهای مختلف شبه قاره نیز کمک کند. زبانهای فارسی، هندی، عربی و ترکی در درازای زبان تعاملات و داد و ستدهای فراوانی با یکدیگر داشته‌اند و واژه‌هایی را به یکدیگر وام داده‌اند و واژه‌های

گنجینه دانشها و معارف فارسی زبانان و نیز هنرهای ایرانی از دیرباز چندان فراگیر و در اقصا نقاط جهان مؤثر و مورد استقبال بوده که به زبانهای گوناگون سرزمینهای دور و نزدیک برگردانیده شده و نسخه‌های خطی آنها حتی تا زمان حال زینت بخش بسیاری از گنجینه‌های مخطوطا و موزه‌های جهان بوده است.

جایگاه والا و سهم نسخه‌های خطی فارسی در گسترش فرهنگ مشترک علوم مختلف هر دوره از حیات انسانها در میان توده‌های مردم بر هیچ کس پوشیده نیست زیرا بسیاری دانستنیها و اطلاعات و دانشها مانند باورهای نجومی، کیمیاگری، تاریخ، جغرافیا، اسطوره، دانشهای ادبی، طب سنتی، زراعت، آداب و رسوم و باورهای میان ملل گوناگون جهان، از طریق همین میراث به آیندگان منتقل گردیده و می‌گردد. اگر بخواهیم یکی از ارزشمندترین گنجینه‌های فرهنگ و تمدن ایرانی را بجوئیم که در خارج از ایران بیشترین تاثیر فرهنگی را در میان ملل جهان مخصوصاً شبه قاره هند داشته، بی‌شک همین گنجینه نسخه‌های خطی فارسی بازمانده از روزگاران کهن خواهد بود.

این مجموعه ارزشمند نسخه‌های خطی که ضمناً بسیاری از همبستگی‌های مربوط به زبان و همچنین فرهنگ زبانهای عربی، هندی و نیز ترکی را با زبان فارسی ثابت می‌کند و ضمن اینکه در بالابردن سطح علمی هر یک از آن زبانها سهم زیادی دارد، میراث فرهنگی گرانبهایی نیز برای هر یک از آن زبانها محسوب می‌گردد.

بر خلاف تصور بعضی تعامل زبانی یاد شده تنها منحصر به زبان فارسی و عربی نیست بلکه زبان فارسی به دلیل ویژگیهای خاص خود مانند: زیبایی لفظ و کلام، و نیز غنای فکر و اندیشه و داشتن مضامین بلند و زیادی لغات و مترادفات و تواناییها علمی برای پذیرش هر موضوع علمی و آسانی آموختن آن و نیز بواسطه

دیگر را گرفته اند.

و از سوی دیگر درس بخشندگی و آزادگی بیاموزد که:

گرت ز دست بر آید چو نخل باش کریم

ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد^۷

در میان دستورهای تربیتی مربیان تعلیم و تربیت جهان شاید نتوان بهتر و مؤثر تر از پیام زیر روشی جست که هم بهبود جسم و روان انسانها و هم جامعه را در پی داشته باشد آنجا که سعدی گوید:

«خشم بیش از حد گرفتن وحشت آرد و لطف بی وقت هیبت ببرد. نه چندان درشتی کن که از تو سیر گردند و نه چندان نرمی که بر تو دلیر شوند.

درشتی و نرمی بهم در بهشت چو فاصد که جزاح و مرهم نهست

درشتی نگیرد خرمند پیش نه سستی که ناقص کند قدر خویش^۸

این فرهنگ غنی و بارور و کارا و به اصطلاح امروزی کاربردی ادب پارسی که از طریق ترجمه‌های آثار ادبی به دیگر زبانهای زنده جهان و از جمله: زبانهای هندی، ترکی و عربی هم راه یافته و سهم زیادی در برقرار کردن پیوند میان این زبانها و در نتیجه متکلمان به آنها در حوزه تعاون فرهنگی و ادبی داشته است. در زیر تنها به نمونه‌هایی از ترجمه‌های متون فارسی به اردو اشارت می‌شود تا تعامل و همبستگی و پیوندهای معنوی و به تبع آن لفظی میان این دو زبان آشکارتر گردد و البته باید یادآوری کند این آمار مربوط به حدود بیست و دو سال پیش است و بی‌شک آثار دیگری نیز در این فاصله به زبان اردو برگردانیده شده است:

ترجمه‌ها و تفسیرهای قرآن مجید مانند ترجمه مواهب علیّه یا تفسیر حسینی کاشفی بیهقی (متوفی ۹۱۰ هـ) و حداقل دوازده تفسیر دیگر که به اردو ترجمه گردیده و یا ترجمه احادیث نبوی مانند اربعین مولانا عبدالرحمن جامی (متوفی ۸۹۸) و کتابهای فقهی فارسی بیش از پنجاه مورد، کتابهای کلام و عقاید و ملل و نحل بیش از هشتاد مورد، فلسفه عملی یعنی اخلاق و پند حدود ۵۵ مورد، ترجمه‌های کتابهای عرفانی فارسی به اردو حدود ۲۵۰ مورد، جغرافیا و سفرنامه ۱۳۸ مورد، بلاغت و عروض ۳ مورد، متنهای ادبی فارسی به اردو مانند چهار مقاله عروضی سمرقندی (متوفی حدود ۵۵۰ هـ ق) و یا گلستان سعدی و مقامات حمیدی و غیره یا مثلاً از معاصران سگ و لگرد صادق هدایت؛ جمعاً ۴۰ مورد، ترجمه بعضی داستانهای

تعداد واژه‌هایی که از زبان فارسی به عنوان مادر زبانهای یاد شده به هر یک از آنها رفته بسیار زیاد است. این تعامل زبانی در میان زبانهای فارسی و عربی به دلیل رواج دین اسلام و داد و ستدهای مسلمانان در مناطق مربوط شدت بیشتری دارد. به عنوان مثال واژه‌هایی که از فارسی به عربی رفته و به اصطلاح معرب شده در فرهنگنامه‌هایی مانند کتاب «المعرب من الکلام الاعجمی علی حروف العجم»^۲ جوالیقی و همچنین کتاب «الالفاظ الفارسیه المعربه تألیف السید اذی شیر»^۳ جمع آوری گردیده که البته حجمی نسبتاً زیاد دارد و می‌نماید که زبان فارسی تا چه اندازه از جهت واژگانی به زبان عربی کمک کرده است و البته اگر به جمع‌آوری واژه‌های فارسی دخیل در عربی تا زمان معاصر بپردازیم کمیتی بسیار بیشتر از آنها خواهد داشت. همچنین واژه‌هایی که در راستای این تعامل زبانی از زبان عربی به فارسی راه یافته و در متون ادب فارسی بکار گرفته شده و باعث غنای آن گردیده بسیار زیاد است.

در تعامل زبان فارسی با اردو یکی از زبانهای رایج در هند باید گفت، واژه‌های بیشماری و در حدود ۶۵ درصد از زبان فارسی بدان راه یافته و باعث تقویت زبان اردو گردیده است.

نکته مهم این است که زبان و ادب فارسی در درازای زمان توانسته است پیامهای مهرورزی و محبت و دوستی را در جهان بپراکند و محتوای فرهنگ غنی خود را از طریق قالبهای شعر و نثر و گاه داستانهای دلکش و زیبا به گوش جهانیان برساند و بگوید:

ما قصه سکندر و دارا نخواندیم از ما بجز حکایت مهر و وفا میرس^۴

نیز زبان و ادب پارسی توفیق یافته با رذالتها و خباثتهای انسانی در آویزد و به گونه‌های گوناگون با پلیدیها مبارزه کند و انسانهای تبهکار را به راه راست راهنمایی کند و این فرهنگ نوع دوستی و ملاحظاتی حقوق بشر و انسانیت را در میان دیگر اقوام و ملیتهای جهان از راه ترجمه بگستراند. از یک سوی به زورمندان توصیه کند که:

ضعیفان را مکن بر دل گزندی که درمانی به جور زورمندی^۵

و بدانان هشدار دهد که:

بد اختر تر از مردم آزار نیست که روز مصیبت کسش یار نیست^۶

فارسی مانند انوار سهیلی یا خسرو و شیرین نظامی گنجوی (۵۹۸م)، اسکندرنامه یا لیلی و مجنون او یا بوستان سعدی ۱۰۶ مورد؛ ترجمه بعضی منظومه‌ها مانند دوبیتی‌های باباطاهر عریان، دیوان حافظ، کلیات شمس تبریزی، رباعیات جامی و خیام، قصاید خاقانی، قصاید شاه نعمت الله ولی، منطق الطیر عطار نیشابوری ۱۴۴ مورد. لازم به یادآوری است که حتی بعضی از کتابهای فارسی در موضوعهای ریاضی، ستاره‌شناسی، پزشکی و کیمیاگری نیز به زبان شیرین اردو ترجمه شده است. مانند قرابادین شفائی از شفایی اصفهانی پزشک عهد شاه عباس اول (۹۹۵-۱۰۳۷ هـ) که در حاشیه قرابادین ذکایی در سال ۱۳۰۲ در دهلی به چاپ رسیده است.

در باره تعامل‌های آثار علمی فارسی - هندوستانی، یادآوری می‌کند که کتابهای فارسی علاوه بر زبان اردو به زبانهای: پنجابی، پشتو، سند، براهوی نیز ترجمه گردیده که تعداد آنها زیاد و از موضوع بحث این مقاله خارج است.^۹

باید دانست که این تعامل فرهنگی منحصر به زبان اردو نیست بلکه ترجمه‌های متون نثر و نظم فارسی همواره نیرومندترین وسیله پیوند ایران با همه همسایگان خود بوده است. رودکی در سمرقند، نظامی در گنجه، مولوی در قونیه، سنایی در غزنه، امیر خسرو و بیدل دهلوی و نظام الدین اولیا در دهلی، عبد الرحمن جامی در هرات همواره با زبان فارسی برای اقوام مختلف آن سرزمینها سخن می‌گفته‌اند و می‌سروده‌اند و کام جان انسانهای مشتاق کمال و معرفت را بدین گونه نیز سیراب می‌کرده‌اند.

اما گسترش زبان فارسی در آسیای صغیر و نفوذ آن در آن سرزمینها و کمک به رونق و اعتلای زبانهای آنجا نیز کم سابقه بوده؛ بعد از استقرار سلجوقیان (از سال ۴۲۹ تا ۷۰۰ هـ ق) و امرای دست‌نشانده آنان، زبان فارسی، زبان رسمی آنجا گردید؛ در سرزمین‌های روم مردم به پنج زبان تکلم می‌کردند بدین گونه که زبان اکثریت ساکنان آنجا رومی بود، گروهی به زبان ارمنی سخن می‌گفتند. قبایل نو رسیده ترکمن به زبان ترکی سخن می‌گفتند. زبان دینی، عربی بود اما زبان و فرهنگ طبقه ممتاز فارسی بود تا آنجا که پادشاهان سلجوقی نیز به فارسی سخن می‌گفتند.^{۱۰} دلیل این موضوع این بود که خاندان سلجوقی پیش از رفتن به روم در ایران با زبان و فرهنگ ایرانی انس

و الفت یافته و ایرانی شده بودند و کارگزاران آنها هم ایرانی بودند و فارسی گفتن و نوشتن برای آنها آسانتر از دیگر زبانها بود؛ از طرفی دیگر زبان ترکی قبایل در آنروز پختگی و پیشرفت لازم را برای رفع نیازهای جامعه نداشت^{۱۱} و درحقیقت باید گفت: «زبان ترکی عثمانی که امروز زبان رایج و رسمی کشور ترکیه است از پایان قرن هشتم هجری (۱۴ میلادی) به صورت زبانی ادبی و فرهنگی در آمد و در ظرف چهار قرن ثبات و استقرار یافت. تکامل و توسعه آن وابستگی کامل به توسعه سیاسی و فرهنگی دولت عثمانی داشت و به همین سبب زبانی عمده در عالم اسلامی شناخته شد؛ و البته این زبان ترکی از فارسی و عربی نیز بسیار اقتباس کرده است.^{۱۲}

شادروان احمد آتش که پژوهشی درباره وضعیت زبان فارسی در سرزمین عثمانی تحت عنوان «آثار فارسی در قرن ششم تا هشتم در آناتولی»^{۱۳} دارد، از ۳۷ کتاب و رساله که در همان مدت در آن سرزمین تألیف گردیده یاد می‌کند که البته شمار آنها بیشتر از آن تعداد است؛ آتش عباراتی را نیز از مقدمه بعضی از آنها نقل کرده است مثلاً در مقدمه کتاب «اختیارات مظفری» تألیف قطب الدین شیرازی که آن را به یولوق ارسلان حکمران قسطنطنیه^{۱۴} هدیه کرده، آمده است:

«از حضرت ... یولوق ارسلان اشارتی رفت که فصلی چند در شرح اوضاع و افلاک و اجرام پردازد ... و تعبیر آن به الفاظ فارسی طرازد تا عواید فواید او خاص و عام را شامل بود» (زبان و ادب فارسی ص ۲۵)

با توجه به اینکه کتاب یاد شده خلاصه‌ای از کتاب نهیة الادراک قطب الدین شیرازی است که به زبان فارسی برگردانیده و با توجه به اینکه از متن مقدمه یاد شده هم چنین استنباط می‌گردد که زبان فارسی در آن سرزمین مفهوم‌تر از دیگر زبانها بوده است و مخصوصاً از زبان عربی رواج بیشتری داشته است، گستره زبان فارسی در سرزمینهای زبان ترکی آشکار می‌گردد. همچنین جمال‌الدین محمد آقسرایبی (متوفی ۷۷۰-۸) نیز در مقدمه رساله‌ای به نام «أسأله واجوبه» می‌نویسد: «رساله أسأله واجوبه‌ای چند از علم تفسیر زبان پارسی که اهل این دیار را از لغت تازی و عبارت حجازی آنفع و استفهام دقایق را بر افهام خلائق واقع است، تحریر کنم» (همانجا

۱ - همانجا ص ۹۷

۲ - همانجا ص ۲۲۳

۳ - دیوان قبولی، چاپ عکسی استانبولی ص ۲۵

نسخه‌های خطی فارسی نیز در گوشه و کنار سرزمین ترکیه فراوان وجود دارد و مخصوصاً نسخه‌های خطی آثار فارسی موجود در آنجا که مربوط به پیش از حمله‌ی مغول است برای ما اهمیت بیشتری دارد؛ تعداد نسخه‌های خطی فارسی موجود در شهرهای مختلف ترکیه را حدود سیصد هزار دانسته‌اند.^۲

در مقدمه‌ی ارتیلان بر دیوان قبولی می‌خوانیم:

«وجود شاعران و نثر نویسندگان ایرانی در دوره‌ی محمد فاتح سبب شد که زبان فارسی در ترقی زبان ترکی تأثیر بسیاری کند تا جایی که گفته‌اند: احمد پاشا بزرگترین شاعر قرن نهم ترکیه (متوفی ۹۰۳) که از پایه‌گذاران شعر ترکی شناخته شده مترجم اشعار فارسی است.»^۳

تأثیر و نفوذ زبان و ادب فارسی در ترکی سبب گردیده تا تشبیهات و کنایات و استعارات فارسی در شعر و ادب ترکی رواج یابد و حتی انواع قالبهای شعر فارسی مانند غزل، قصیده و رباعی و ترجیع بند و مثنوی و حتی وزنهای و قافیه‌های شعری فارسی به ترکی راه یابد. وهبی سنبل زاده (متوفی ۱۲۲۴) که در سال ۱۱۸۹ نزد کریم خان زند به سفارت به شیراز آمده بود گفته است: «عنقای سخن دو شهبال از پارسی و تازی می‌خواهد تا بتواند بلند پروازی کند»

در پایان یادآوری می‌کنیم که ادبیات عثمانی هم در ادبیات جدید فارسی تأثیر گذاشته و بعضی لغات و اصطلاحات مربوط به تمدن جدید از دوره‌ی ناصرالدین شاه تا بعد از مشروطیت از راه زبان عثمانی وارد زبان فارسی شد و از همین دوره‌ی ناصرالدین شاه که بعضی اهل قلم و اندیشه در استانبول ترکیه رحل اقامت افکندند جایگاه آنان در آن دیار محل تجمع دوستداران ایران گردید. از آن جمله باید میرزا حبیب اصفهانی شاعر بزرگ طنز پرداز (متوفی ۱۳۱۱) و مترجم حاجی بابای اصفهانی را یاد کرد که در سال ۱۲۸۳ به استانبول رفت و در آنجا به تألیف و انتشار کتاب پرداخت.

حمایت از زبان فارسی تا دوره‌ی آخرین پادشاهان عثمانی ادامه یافت. هنگامی که روزنامه‌ی فارسی اختر در سال ۱۲۹۳ قمری تعطیل شد،

تأثیر زبان فارسی در فرهنگ و تمدن ترک زبانان پس از ورود مولوی شاعر بلند آوازه و چهره‌ی درخشان زبان و ادب فارسی به قونیه، نیز آشکار است و تأثیر شگرف اندیشه و آثار مولوی و زبان و ادب فارسی در آسیای صغیر چندان گسترده است که باید از جنبه‌های گوناگون مورد تجربه و تحلیل قرار گیرد و به عنوان مثال در طریقت مولویه هنوز اصطلاحات فارسی زیر کاربرد دارد.

استان (درگاه مولوی و آرامگاه او)، آتشیباز (آشپز)، آیین (اشعاری که در مراسم سماع می‌خوانند)، آیین خوان (خوانندگان آیین)، برگ سبز (نذری که مولویان به درگاه مولانا می‌آورند)، چله (عبادت خاص چهل روزه)، درگاه (اقامتگاه شیخ)، خاموشخانه (گورستان)، شب عرس (شب وفات مولوی که در همه‌ی درگاهها سماع برقرار می‌شد)، سماع (رقص دسته جمعی که با آهنگ خاص در شبهای جمعه اجرا می‌شد و اینک همه ساله در ۲۲ آذرماه به یاد سال وفات او اجرا می‌شود)، نی زن (کسی که ساز سنتی مولویه «نی» را می‌نوازد)، پوست نشین (شیخ صاحب مقام)، مثنوی خوان (کسی که شغل خواندن مثنوی دارد)، نونیا (درویشان نو سفر)، عشق و نیاز (تعبیری به جای سلام).^۱

فرهنگ نویسی فارسی - ترکی و نیز ترجمه‌ی متون و شاهکارهای ادب فارسی به ترکی و همچنین شرح نویسی به متون ادب فارسی در سرزمین ترکیه رواج کامل یافت و یکی از بهترین شرحهای حافظ به زبان ترکی شرح معروف سودی بر حافظ ونیز بر بوستان سعدی است که سودی بوسنه‌ای در سال ۱۰۰۷ به پایان رسانید و به فارسی هم ترجمه شده است. شرح سودی بر حافظ تألیف محمد افندی یکی از دانشمندان اهل بوسنه از ولایات عثمانی قدیم و بعدها یوگسلاوی بوده است. این کتاب بعدها به وسیله خانم دکتر عصمت ستار زاده در چهار مجلد به فارسی ترجمه شده است: چاپ آن کتاب در بهمن ماه ۱۳۴۱ در چاپخانه‌ی رنگین تهران به پایان رسیده است. یکی از معروفترین مترجمان متون فارسی به ترکی، لامعی بروسوی (۹۳۹-۸۷۷) است که بسیاری متون ادب فارسی و از جمله آثار مولانا عبدالرحمن جامی را به ترکی ترجمه کرده و لقب

۱ - سفارت نامه‌های ایران ص ۲۶۳-۲۲۵ به نقل زبان و ادب فارسی، ص ۲۶۸-۲۷۲ خان ملک ساسانی

۲ - مجله‌ی ارمنان سال ۱۰، خرداد ۱۳۰۸، ص ۱۱۰-۱۲۰

۳ - یادبودهای سفارت استانبول، خان ملک ساسانی، تهران ص ۶-۲۰۵ به نقل از کتاب زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی ص ۲۵۴. دکتر محمدامین ریاحی انتشارات پازنگ چ اول سال ۱۳۶۹

سلطان عبدالحمید دوم سفیر ایران را به تجدید انتشار آن تشویق می‌کرد. محسن خان معین الملک (مشیر الدوله بعدی) سفیر ایران در طی دو گزارش به وزارت امور خارجه می‌نویسد: و عید قربان به ملاقات سلطان رفته و از بسته شدن روزنامه اختر اظهار تکدر فرموده گفتند: حیف است در اسلامبول زبان فارسی که اساس زبان

منابع و پانوشتها:

۱ - تأثیر زبان فارسی بر زبان اردو، تألیف دکتر محمد صدیق خان شبلی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۷۰، مقدمه صفحه (ی).

۲ - المعرب من الکلام الاعجمی علی حروف العجم، جوالیقی، مطبعة دار الکتب ۱۳۸۹ هـ (۱۹۶۹ م).

۳ - الالفاظ الفارسیة المعربة تألیف السید اذی شیر مطبعه الکاتو لیکیه للاباء الیسوعیین فی بیروت سنه ۱۹۰۸

۴ - دیوان حافظ به اهتمام دکتر جلالی نائینی و دکتر نذیر احمد، آستان قدس رضوی ۱۳۵۰، ص ۲۷۹.

۵ - گلستان سعدی، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه ۱۳۴۸، ص ۶۰۰.

۶ - همانجا ص ۵۴۰

۷ - همانجا ص ۶۰۷

۸ - همانجا ص ۵۲۹

۹ - ترجمه‌های متون فارسی به زبانهای پاکستانی تألیف اختر راهی مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، شماره ۱۰۴، سال ۱۳۶۵ هـ ش. (۱۹۸۶ م)

۱۰ - الاوامر العلائیه، ابن بی بی، چ عکسی، آنکارا ص ۷۹-۷۷

۱۱ - زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، دکتر محمد امین ریاحی، انتشارات پازند، پاییز ۱۳۶۹ تهران ص ۴-۲۳.

۱۲ - فرهنگ دکتر معین ذیل واژه ترکی

۱۳ - A.Ates,Hicri VI-VIII.(XII.XIV)asirlarda Anadolv da farsca eserler. Turkiyat mecmuasi - ۱۳۵ - ۹۴-istanbul ۱۹۴۵ s. VII-VIII cilt.

۱۴ - Kastamouni ایالتی است در ترکیه واقع در شمال غربی آسیای صغیر که امپراتوران روم آن جا را پایگاه قرار دادند و در قرن ۱۲ میلادی تخلیه کرده‌اند.

موقعیت صائب و شاعران سبک هندی در شبه قاره

دکتر فرزانه اعظم لطفی*

از قرن دهم هجری بود که با پیدایش سبک هندی روح تازه ای در پیکر شعر فارسی دمیده شد و شیوه ای بس دشوار پدید آمد که هر کسی را تاب طبع آزمایی نبود. سبک هندی را سبک اصفهانی نیز گفته اند. علت انتساب این سبک به اصفهان و شبه قاره ی هند این است که نخستین شاعران ایرانی منسوب به این سبک، تقریباً از اواسط قرن دهم هجری ابتدا در دارالحکومه ی اصفهان جمع بودند و چون در آنجا حامی و مشوقی نیافتند، رهسپار شبه قاره ی هند شدند؛ لذا غرس نهال این سبک در اصفهان صورت گرفت، ولی رشد آن در هند عملی گردید. از آن پس، در هر جا که زبان فارسی تداول داشت، همین سبک گسترش پیدا کرد. در ایران، سبک هندی حدود دو قرن و نیم، تا اواخر قرن دوازدهم هجری، رواج داشت؛ ولی در خارج از ایران تا اواخر ربع اول قرن چهاردهم هجری ادامه پیدا کرد. به تعبیری می توان گفت که رونق سبک هندی در این عصر و این طرز شعر و بیان، نماینده ی هنر باریک بینی و دقیقه یابی و لطیفه کاری است که جز فکر ورزیده و اندیشه پخته بدان نرسد و از لطایف ادبیات ایران است. در شبه قاره، شبلی نعمانی و اقبال، خصوصاً در شعر و ادبیات زبان اردو، به ترک این سبک کمک کردند و به وسیله ی آنان، هنر شاعری به سبکهای عراقی و خراسانی بازگشت کرد.

کلید واژه : سبک هندی، پان، شنی، نظام الدین اولیاء، چندن، رام، پاتانه، جگنو، مکتب باروک.

مقدمه

دوره ی پادشاهان صفوی در ایران، از نظر حیات ملی و پیشرفت علوم دینی دوره ای پر عظمت بود، ولی در سیاست دینی این دوره، شعر و ادب تفننی، مقام و رتبه ای نداشت. بدان سبب صدها شاعر و هنرمند ایرانی رهسپار شبه قاره ی هند شدند. در آن اوان، تشویق پادشاهان و امیران تیموری شبه قاره، و نیز رفاه اقتصادی آن سامان، شاعران و هنروران ایرانی را به هند کشاند؛ چنان که عطار نیشابوری در این زمینه گفته است :

* دکترای زبان و ادبیات و فرهنگ اردو از دانشگاه جواهر لعل نهرو - دهلی نو - مدرس دانشکده ی زبانهای خارجی دانشگاه تهران - گروه اردو

دانا پدری گفت به فرزند خلف

دنیا طلبی به هند، عقبا به نجف

ور آنکه نه دنیا و نه عقبا خواهی

بنشین به نشابور و بکن عمر تلف

باید خاطر نشان کرد که به طور کلی سرزمین هند سرزمین عجایب هفتاد و دو ملت، از دیرباز پناهگاه مطمئن و مناسبی برای رانده شدگان فرهنگی، مذهبی و سیاسی بوده است. در دوره های مختلف، بسیاری از ایرانیان که تعصبات مذهبی رایج را بر نمی تافتند، رهسپار هند می شدند. تنها در دوره ی صفویه بیش از ۷۴۰ شاعر سنی و شیعه ایرانی به هند مهاجرت کردند و در دربار پادشاهان مسلمان آنجا، به ویژه پادشاهان بامری و گورکانی، به گرمی پذیرفته شدند.^۱

چهل سال بعد از چنگیز، هلاکوخان مغول به ایران هجوم آورد و یکصد سال پس از وی نیز حملات تیمور که با کشتار فراوان مردم و ویرانی زیاد همراه بود، به وقوع پیوست. طبعاً بیشتر مهاجران نیز از مردم ولایاتی مانند خراسان - که در عرصه ی اصلی این تاخت و تاوها قرار داشتند - بودند. از این روست که هندیان، مهاجران ایرانی را «خراسانی» می نامیدند. گروه کثیری از مهاجران که پس از حمله ی چنگیز از ولایات ترکستان، خراسان و افغانستان رهسپار هند شدند، غالباً در دربار سلاطین غوری که از قرن هفتم هجری در دهلی به حکومت رسیده بودند، ملجأ و مأوایی یافتند. گرچه بسیاری از سلسله های مسلمان ایرانی که در هند به حکومت رسیده اند ترک زبان بوده اند، دربارشان مروج و مشوق زبان و ادب و فرهنگ زبان فارسی بود و سخنوران و شاعران، ادیبان، نویسندگان، هنرمندان، عالمان، عارفان و دانشمندان ایرانی مقام و منزلتی ممتاز نزد پادشاهان، امیران و دولت مردان مسلمان هند داشتند و از رفاه و آسایش بسیار خوبی برخوردار بودند. گذشته از این گروه، صاحبان فضل و کمال اصناف دیگر نیز هر کدام به فراخور دانش و تجربه و دست کم زبان دانی خود مشاغلی خوب و پر درآمد در دستگاه لشکری هند به دست می آوردند.

در دوره ی صفویه به دو سبب، بسیاری از ارباب ذوق و کمال و شوق و حال مهاجرت را بر ماندن در ایران رجحان نهادند و بیشتر آنها به هندوستان رخت کشیدند؛ محمد تقی بهار (۱۳۳۷) در این باره می نویسد:

پادشاهان خاندان تیموری هند، ایران را وطن خود و ایرانیان را همشهری و هم زبان خود می دانستند و از هوش و ذوق اینان لذت می بردند. بنابر این دهلی دربار بزرگتری شد که باید آن را دربار ثانی ایرانی نامید، بلکه دربار اصلی ایران، چه رواج فارسی و ادبیات و علوم، در دربار دهلی زیاده از دربار اصفهان بوده است و ظاهراً در دربار اصفهان پادشاه و خاصه درگاه، به زبان ترکی صحبت می فرمودند، ولی در دربار دهلی، شاه، دربار و حرمسرایان همه به فارسی گفت و گو می کرده اند و کتبی که خود پادشاهان نوشته اند، مانند یادداشت های نورالدین جهانگیر - جهانگیر نامه - که همه به فارسی است، اعتبار آن زبان را در هند مدلل می سازد.

از طرفی دانشمندان دری زبانی که در دوره ی غزنویان به هند آمدند، به این سرزمین علاقه ی شدید ابراز نمودند. صائب تبریزی و بیدل دهلوی که از بنیان گذاران سبک هندی به شمار می آیند، با فلسفه و فرهنگ هندی آشنایی کامل به دست آوردند و با نهایت اخلاص کوشیدند فرهنگ و فلسفه و مذهب و رسوم هندوستان را به ملت خود بشناسانند. امیر خسرو شاید به راستی نخستین و بزرگترین شاعر و نویسنده ی دری در هند بوده باشد که به هند و معنویت هند عشق می ورزیده است؛ منتهای عشق او آن بود که وی هند را « فردوس دوم » می داند. وی به مذهب، فلسفه ی هندویی و زبان مقدس سنسکریت بی نهایت احترام می گذاشت و حتی گل و گیاهان و درختان هندوستان را از صمیم قلب دوست می داشت. به قول بیندربان داس خوشگو (۱۹۵۹ : ۱۱۸) بیدل اساطیر هندویی را به دقت مطالعه کرده بود و سراسر داستان مهابهارات را از حفظ داشت. در موسیقی مهارت کامل به دست آورده بود و زبان هندی را به خوبی فرا گرفته بود.

بر مورخان و محققان زبان و ادبیات فارسی پوشیده نیست که صائب در عهده ی می زیست که در ایران شاه عباس دوم حکمفرمایی می کرد و در هند شاهجهان، معروف به صاحبقران ثانی (۱۰۳۷ - ۱۰۶۸ ق) فرمانروایی داشت. از آنجا که در عهد فرمانروایی سلسله

ی صفوی، به عللی، به دانش های عقلی و ادبی بی مهری شد و وجود حکومت عثمانی در خارج از ایران و تشویق حکومت گورکانیان هند، جبران این بی مهری های صفویان را نمود، لذا ادبا و شعرا برای اخذ صلح و جایزه و یافتن پناهگاه ادبی و عرفانی و اشاعه ی غزل فارسی، به دربار پادشاهان هند رفتند. بر اساس متون تاریخی، یکی از عوامل گسترش روابط پادشاهان هند با ایران، پناه آوردن همایون شاه هند به ایران بوده است. این نیز پوشیده نیست که زبان فارسی بیش از هفتصد سال در سرزمین هند سرافراز بوده است. همایون شاه، پسر و جانشین ظهیرالدین بابر، بنیانگذار گورکانیان هند (۹۳۷ق) بود. او که به سال ۹۵۱ ق به شاه تهماسب پناه برد، در طول اقامت پانزده ماهه اش در ایران، با شعر و فرهنگ فارسی خو گرفت و با کمک قزلباشان، قندهار و دهلی را به تصرف در آورد. پسر وی، جلال الدین اکبر شاه (۹۶۳ - ۱۰۱۴ق) بزرگترین مشوق شاعران پارسی گوی هند بود. امیر خسرو دهلوی (۶۵۱ - ۷۲۵ ق) و عبدالقادر بیدل دهلوی از بنیانگذاران سبک هندی و از معروفترین شاعران پارسی گوی هندوستان به شمار می رفتند.

سبک هندی : ویژگی ها و شاعران

سبک هندی اصطلاحی است برای یک نوع شعر فارسی که در سده های دهم و یازدهم هجری و مقابل شیوه ی خراسانی یا سبک عراقی و شیرازی متداول شد. برخی صاحب نظران، از جمله امیری فیروزکوهی، با این اصطلاح موافق نیستند و بر آن اند که آن را سبک دوران صفوی نام نهند.

ممکن است این اصطلاح از آنجا ناشی شده باشد که غالب شعرای فارسی گوی هندوستان و یا شاعران ایرانی که به هندوستان رفته بودند، بدین شیوه سخن گفته اند که افراد شاخص آن بیدل و صائب هستند.

بدیهی است که وجه مشترکی میان گویندگان این سبک وجود دارد، اما بیان این وجه اشتراک، به طوری که جامع و مانع باشد، قدری دشوار می نماید و مخصوصاً اگر به شیوه ی سبک شناسان بخواهند وارد تکنیک قضیه شوند و به طور دقیق مشخصات فنی آن را بیان کنند، ملال انگیز و برای خوانندگان خسته کننده می شود.

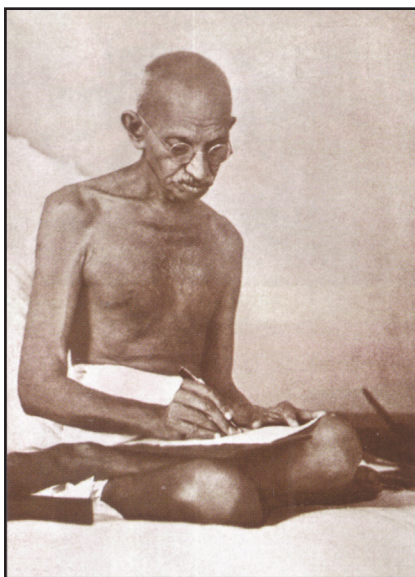
به اجمال باید گفت که سخن سرایان این شیوه عموماً به ابداع مضمون و آوردن تشبیه تازه علاقه ی وافر دارند. باریک خیالی، تصورات دقیق و گاهی دور از ذهن و اغراق و مبالغه میان این دسته از شعرا رواج دارد که به استنباط نگارنده شرایط و جو حاکم بر سرزمین هند، هر آن شخص را به دقت نظر، باریک خیالی و هر آنچه ویژگی سبک هندی است وادار می سازد.

در سرزمین هند عجایب از هم پیشی می گیرند. آنچه در این سرزمین واقعیتی بدیهی است، در اذهان عموم مردم، ادبا و شاعران، شاید امری تخیلی و دور از ذهن تلقی شود. درک مفهوم و حس اشعار چنین شعری مستلزم آگاهی داشتن و دریافتن تاریخ، تمدن، فرهنگ و مذهب پیچیده و شگفت انگیز هند است. در مجموع سبک هندی شیوه ای است خاص، بدیع و تازه که برای همه ی آنهایی که طالب عجایب و غیر عادی بودن هستند، کشش خاصی دارد.

هنگام آشنایی با خاقانی همین حالت شگفتی به دست می دهد؛ زیرا سبک خاصی آفریده است که شبیه قصیده سرایان قبل و معاصر او نیست و در بسیاری از موارد شعرای سبک هندی را به خاطر می آورد. از این رو می توان وی را مبدع آن سبک نامید، با این تفاوت که در سراینندگان سبک هندی، صلابت، تغییر، استحکام و تلیق خاقانی دیده نمی شود. حافظ را که به خاقانی علاقه ی خاصی داشت و از بعضی جهات به شیوه ی وی متمایل بود، باید از متقدمان سبک هندی فرض کرد، با این تفاوت که در تشبیه و استعاره روش اعتدال را

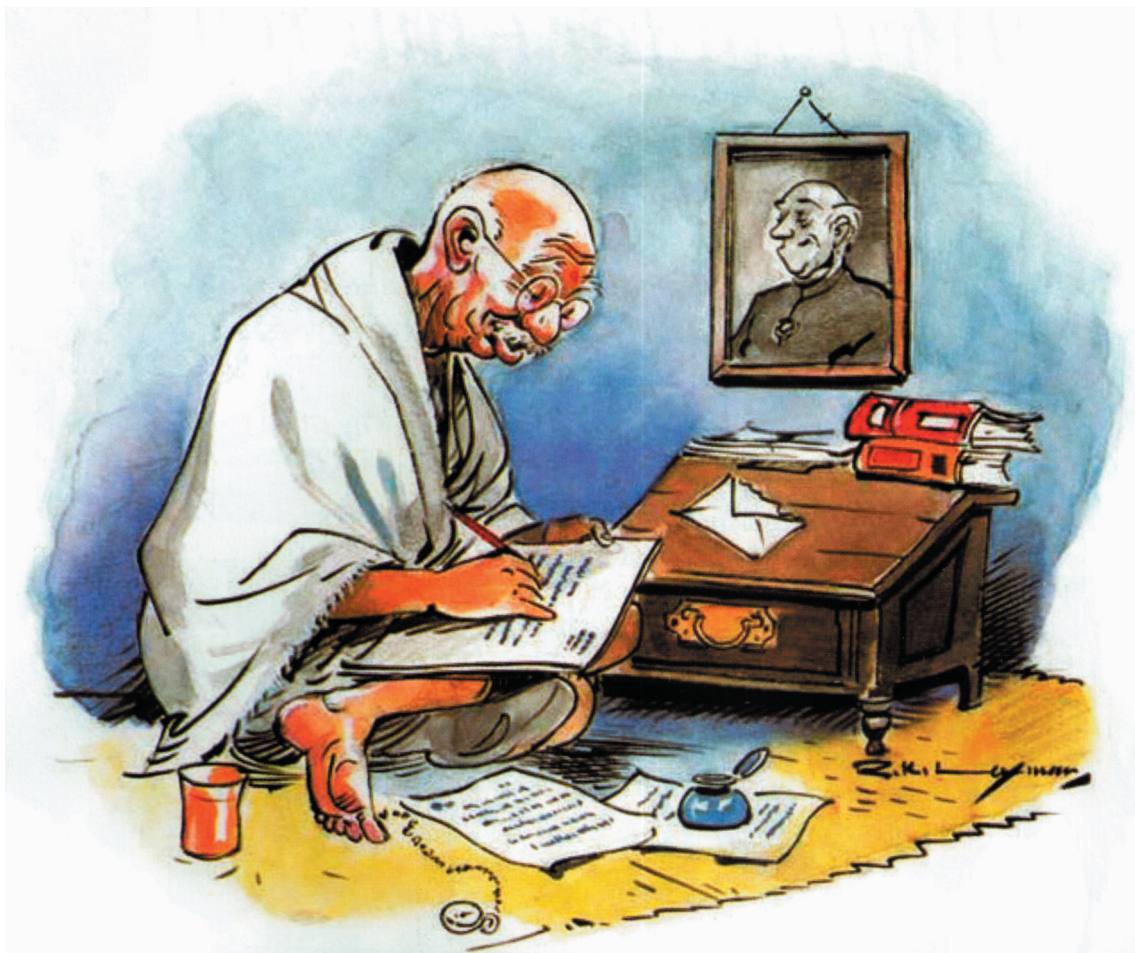
میراث مهاتما گاندی

شگفت این است که مردی که گفت، "نوشته هایم باید با بدن من سوزانده شوند"، هنوز هم مردی است که در مورد شخصیت تاریخی اش بسیار خواننده، تجزیه و تحلیل و نوشته می شود.



علاقه ی روزافزونی به مهاتما گاندی و نوشته هایش وجود دارد. این می تواند واکنشی منفی به حوادث یازدهم سپتامبر یا فرهنگ بسیار تفرقه انگیزی باشد که به نظر می رسد در سراسر جهان به وجود آمده است یا شاید چنین نباشد. امروزه، دیگر فرهنگ ها یا شیوه های دیگر تفکر مشخصه ی ارتباط و روابط بشری است - به نظر می رسد که عدم تحمل ترس از غریبه و نا آشنا - همه ی این ها به نظر می رسد که مردم - مردم عادی - و مهم تر از همه جوانان را به سوی سخنان « درویشی عریان»، انسانی نحیف با تبسمی بر لب کشانده است که یک امپراتوری را با گفتار و کردارش به زانو درآورد. آیا واقعاً امکان پذیر است؟ آیا قدرت اعتقاد و ایمان می تواند بدون خشونت، بدون گلوله، بدون خشم، خصومت یا تنفر تغییرات به وجود آورد؟

انتشارات " نوجیوان " (Navajivan) در احمدآباد و بخش انتشارات (Publications Division) در دهلی از جمله دو ناشر اصلی اثر منظم مهاتما گاندی هستند. مهاتما گاندی موقوفه ی نوجیوان را به منظور ساختن افکار عمومی تأسیس کرد. نوجیوان در طول صدمین سالگرد گاندی، " آثار منتخب مهاتما گاندی " (Selected Works of Mahatma Gandhi) را با قیمت یارانه ای منتشر کرد. این مجموعه در صد و بیست و پنجمین سالگرد گاندی دوباره منتشر شد. نوجیوان برای برآوردن نیاز زبان های محلی، به پروژه ی بلندپروازانه ی دیگری مبادرت کرد تا " آثار منتخب مهاتما گاندی " را به زبان های محلی چاپ کند. این کتاب ها را هم اکنون به زبان های ملیالم (Malayalam)، تلگو (Telegu) و بنگالی چاپ کرده است. در سایت <http://www.navajivantrust.org> با آنها می شود ارتباط برقرار کرد. بخش انتشارات (<http://www.publicationdivision.inc.in>) یکی از دفاتر اصلی انتشاراتی کشور و



بزرگترین در بخش دولتی است. این یک گنجینه ی کتب و مجلات برای برجسته ساختن مسائل مهم ملی و میراث فرهنگی متنوع و غنی هند است. این انتشارات برای انتشار اطلاعات از طریق ارایه و فروش مطالب خواندنی پرمحتوا با قیمت نازل در مورد جنبه های متفاوت از جمله زندگی مهاتما گاندی اختیار خصوصی دارد. آثارشان شامل ۱۰۰ جلد از مجموعه آثار مهاتما گاندی، هشت جلد از "مهاتما: زندگی و دوران" ("Mahatma: his life and times") تألیف دی. جی. تندولکر (D.G.Tendulkar)، آلبوم های مصور گاندی جی توسط بی. آر. ناندا (B.R.Nanda) و کار اخیرشان درباره ی ساتیا گراها (Satya graha) تألیف ساویتا سینگ (Savita Singh) (از اهمیت بسیاری برخوردار هستند. انتشارات ملی کتاب (National Book Trust) هند که نخست وزیر هند، پاندیت جواهر لعل نهرو آن را تأسیس نمود، تعدادی کتاب نیز درباره ی مهاتما گاندی به انگلیسی، هندی و دیگر زبان های محلی منتشر کرده است.

« من هر روز روزنامه های مختلفی را می خوانم. همچنین هر روز کتاب می خوانم. هر دوی آن ها را در ذهنم قرار می دهم و اجازه می دهم تا مبارزه کنند و قضیه را فیصله دهند. »

مهاتما گاندی

انتشارات آموزشی

گنجینه ی فرصت

متن : آجای شوکلا (Ajay Shukla)

مترجم: مریم حسینی متقاعد

مهارت و استفاده از اطلاعات و تکنولوژی ارتباطات و جامعیت با اقدامات مثبت متمرکز می شود تا « تحصیل برای همگان » را حمایت و ترغیب کند.

هیچ ناشر بین المللی نمی تواند از فرصت هایی که در هند فراهم است چشم پوشی کند. انتشارات آموزشی کشور با داشتن یکی از بزرگترین بازارهای انتشاراتی با رشدی سریع در دنیا، برای تجارت باز است.

گزارشات
موفق متعددی
از ابتکار عمل بسیار
موفق سروا شیکشا
آبهیان « آموزش برای همگان
» وجود دارد که به ثبت نام های
مضاعف در سطح مدارس ابتدایی و
هزینه های طرح جدید برای ایجاد
مراکز آموزش عالی در سطح جهانی
مانند مؤسسه های هندی تکنولوژی
(IITS) و مؤسسات هندی مدیریت
(IIMS) کمک کرده است.

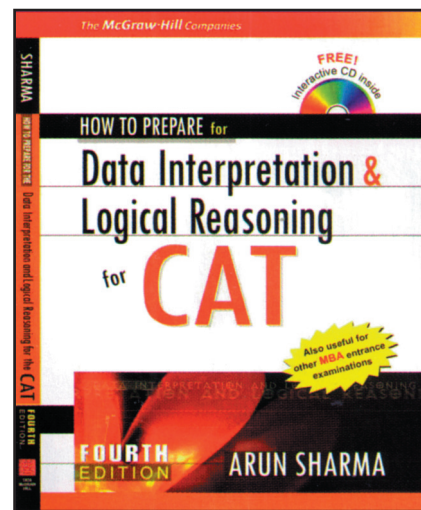
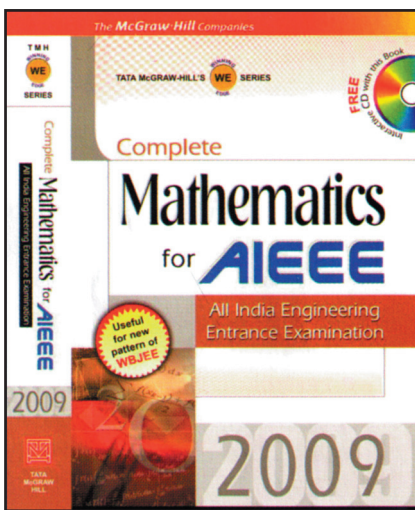
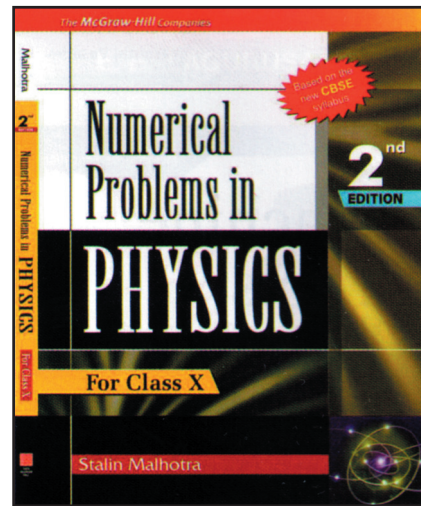
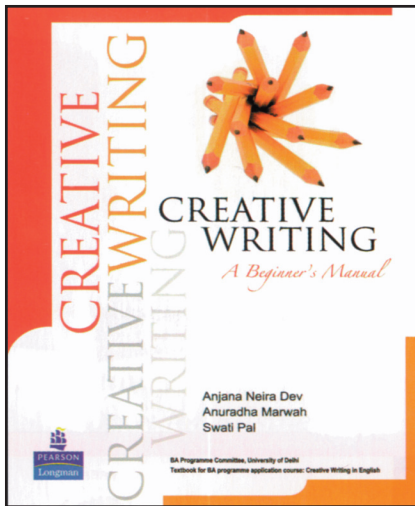
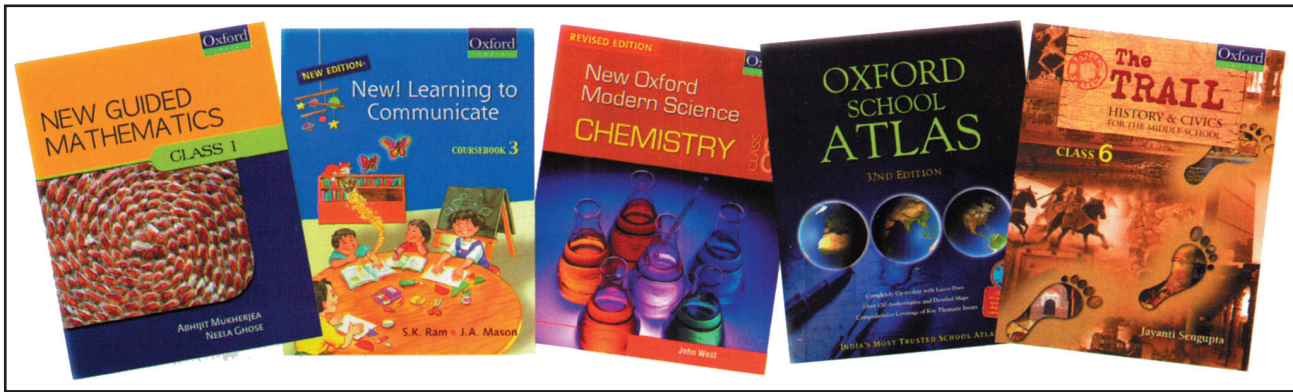
ایجاد و ترویج محتوای با کیفیت
آموزشی بخش اصلی کارآمد کردن سرمایه
های دانش ماست و صنعت انتشاراتی کتاب
هند، نقشی اساسی در ایجاد و مدیریت منابع دانش
در همه ی سطوح نظام آموزشی ایفا کرده است.

به خاطر سیاست دولت برای به وجود آوردن جریان آزاد
دانش، هیچ « نظارت » یا « محدودیت های ورودی » برای
ورود به بازار انتشارات کتاب آموزشی وجود ندارد. در نتیجه، تخمین
زده می شود که در هند جمعیت رو به رشد حدود ۱۰۰۰۰ ناشر

گام های بلندی که هند در
بخش آموزشی در شصت و دو
سال استقلالش برداشته، با
شکوه بوده اند. سطح سواد
ما، از حدود ۱۸ درصد در
زمان استقلال در سال ۱۹۴۷
میلادی به حدود ۶۵٪ در
سال ۲۰۰۱ میلادی
ارتقا یافت. یک منطق
تشخیص و فوریت در
میان سیاست گذاران
وجود دارد که آموزش
و پرورش در همه ی
سطوح با دسترسی،
کیفیت و ارتباط بهتر برای
ساختن تصویری از جامعه
ی مطلع هند در قرن بیست و یکم
مهم و حیاتی است.

جهت سیاست دولت بر افزایش بودجه ی تخصیص
یافته برای توسعه ی زیربنای تحصیلی، اصلاحات در بخش آموزشی
برای تشویق مشارکت بخش خصوصی، کیفیت بهتر با بالا بردن



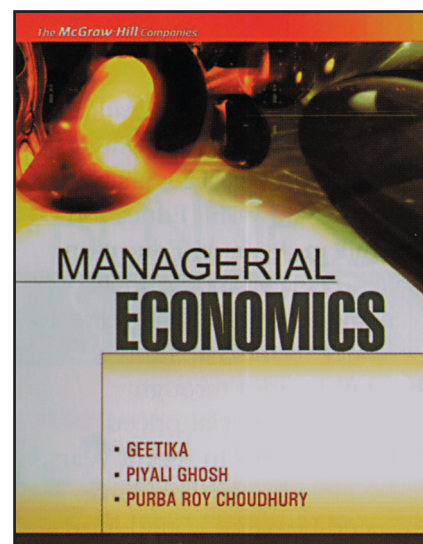
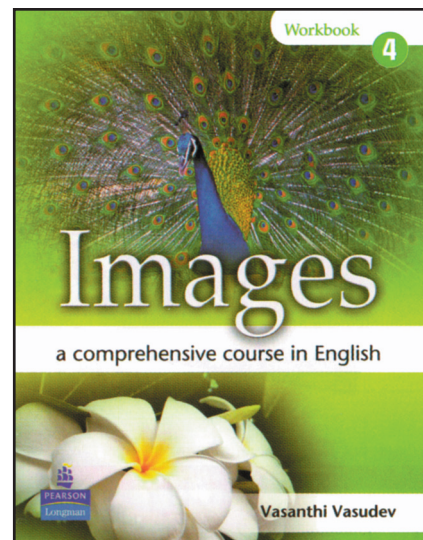
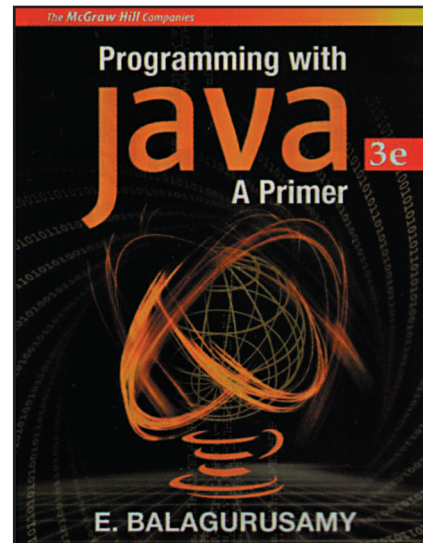


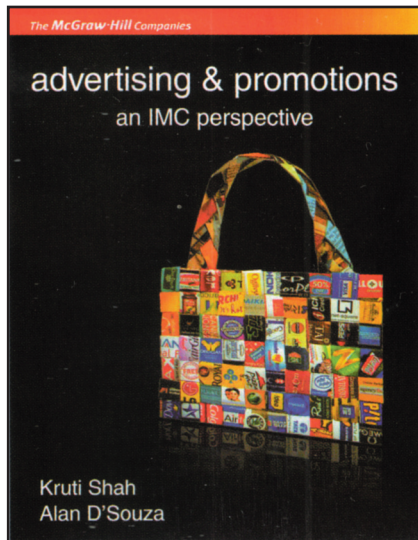
آموزشی جهانی و محلی وجود دارد که هر سال بیش از ۵۰۰۰۰ عنوان جدید را منتشر می کند. هند ۲۲ زبان رسمی دارد و کتاب ها به همه ی این زبان های شناخته شده منتشر می شوند. در هر صورت، برآورد می شود که تقریباً ۵۰٪ همه کتاب های آموزشی به زبان انگلیسی منتشر می شوند.

با رشد نام نویسی ها در دانشکده و مدرسه که هر ساله بین ۵ تا ۸ درصد افزایش پیدا می کند و گرایش روزافزون برای خرید کتاب های درسی، این صنعت گزارش می دهد که هر سال در حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد رشد می کند. انتظار می رود چنین تمایلات رو به رشدی در افق آینده ی پنج تا ده ساله با افزایش های برنامه ریزی شده در سرمایه گذاری های بخش آموزشی و تخصیص بودجه ادامه یابد. این گرایش ها رو به رشد از جمله بالاترین گرایش ها در هر جایی در دنیاست و بنابراین، فرصت های تجاری فوق العاده ای را برای ناشران آموزشی ارائه می دهند. ضمناً تخمین زده می شود که اندازه ی بازار آموزشی هند یک و نیم بلیون دلار می باشد که متشکل است از کتب درسی به ارزش یک بلیون دلار امریکا (پانصد میلیون به زبان انگلیسی) و کتاب های آموزش عالی و بخش های تخصصی به ارزش پانصد میلیون دلار (سیصد میلیون دلار به زبان انگلیسی).

در هند حدود یک میلیون مدرسه، چهارصد دانشگاه و شانزده هزار دانشکده وجود دارد. در هر صورت، از آنجا که بیشتر دانشکده ها برای تعیین برنامه ی آموزشی با معیارهای کلی از آزادی برخوردارند، محصولات انتشارات آموزشی با عناوین محلی / منطقه ای در همان حوزه ی موضوع بسیار مطابقت دارد.

کل ثبت نام های مدرسه در هند ۱۷۰ میلیون، ثبت نام های دانشکده ۱۰/۴ میلیون و در حدود ۲/۵ میلیون متخصصان حرفه ای (آی. تی، نرم افزار) هستند. این امر باعث می شود که هند به عنوان یکی از بزرگ ترین بازارهای آموزشی در دنیا شود. توان خرید مسئله ی بسیار مهمی برای خرید کتاب های درسی به دلیل تولید ناخالص ملی پایین هند و در آمد سرانه ی ۳۸۰۰ دلار امریکاست. قیمت ها در حدود بین ۲ تا ۱۰ دلار قرار دارند و قیمت های کتاب درسی در بین پایین ترین قیمت ها در دنیاست! اکثر ناشران قیمت های محصول را به نحوی شایسته با چاپ سیاه و سفید، جلد ساده و کاغذ ارزان تر برای رساندن به قیمت مطلوب تنظیم می کنند. کتاب های تخصصی بخصوص کتاب های فنی، علمی، پزشکی اکثریت این





کتاب‌ها را تشکیل می‌دهند و بین ۱۰ تا ۳۰ دلار بسته به اندازه و مشخصات اثر قیمت‌گذاری می‌شوند.

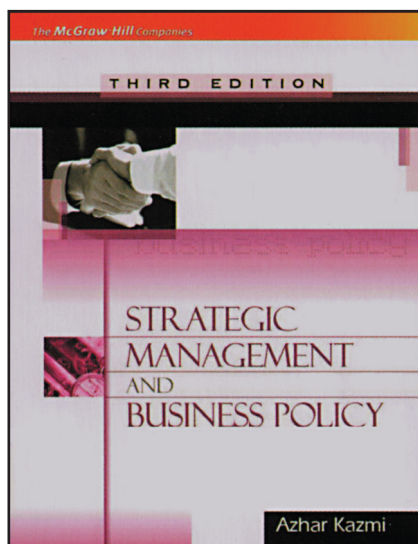
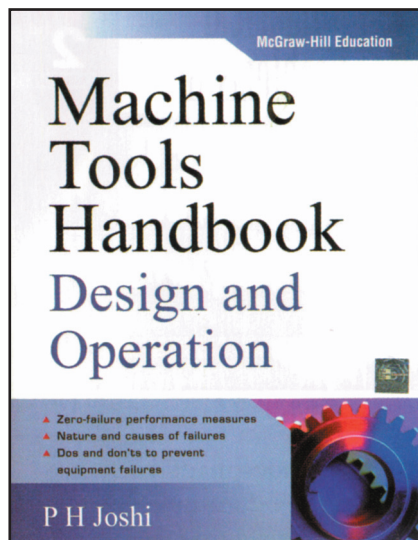
برآورد می‌شود که صنعت نشر آموزشی در هند بیش از ده هزار کارمند توزیع و فروش را به کار می‌گیرد تا کتب درسی را در مدارس، دانشکده‌ها، کتاب‌فروشی‌ها و کتابخانه‌ها تبلیغ کنند.

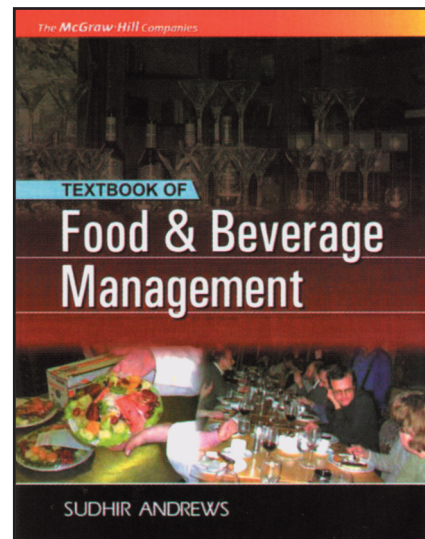
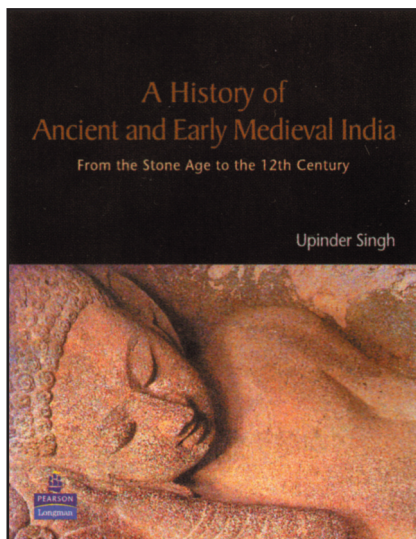
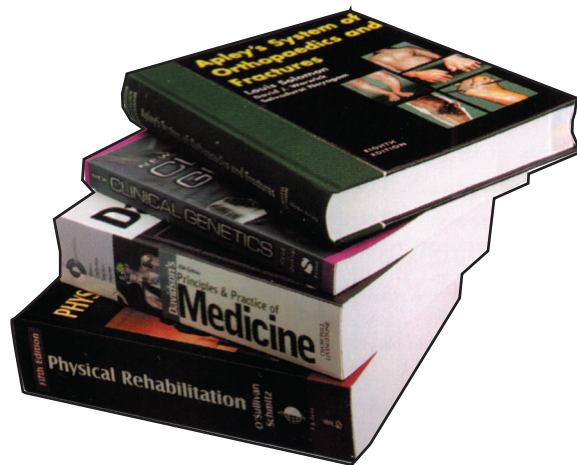
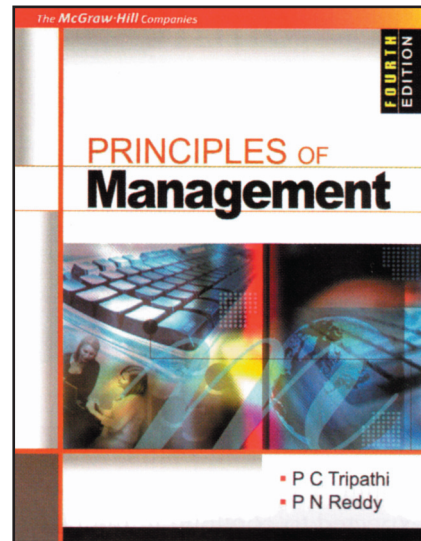
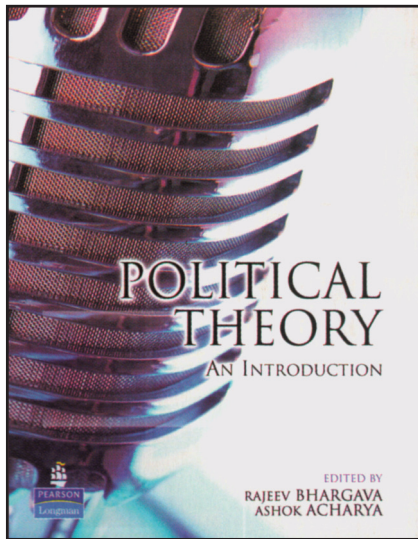
ناشران آموزشی که در سطح جهانی معروف هستند مانند انتشارات دانشگاه آکسفورد، انتشارات دانشگاه کمبریج، آموزش مک‌گرو-هیل، آموزش پیرسون، ویلی، الزویرو اسپرینگر از چندین دهه با چاپ‌های دوباره و چاپ‌های وارداتی با قیمت خاص حضوری بی‌واسطه در هند داشته‌اند. در سال‌های اخیر، این ناشران جهانی، برای به وجود آوردن امکانات ویرایش محلی سرمایه‌گذاری سنگینی کرده‌اند تا عناوین استاندارد جهانی را با تألیف محلی از مؤسسه‌هایی که از لحاظ جهانی معروف هستند مانند مؤسسات هندی تکنولوژی (IIT) به چاپ رسانند. برخی از این عناوین امروزه در آمریکا، انگلیس، امریکای لاتین، چین، استرالیا و جنوب شرقی آسیا از طریق ترجمه‌ها و تجدید چاپ بازار می‌یابند.

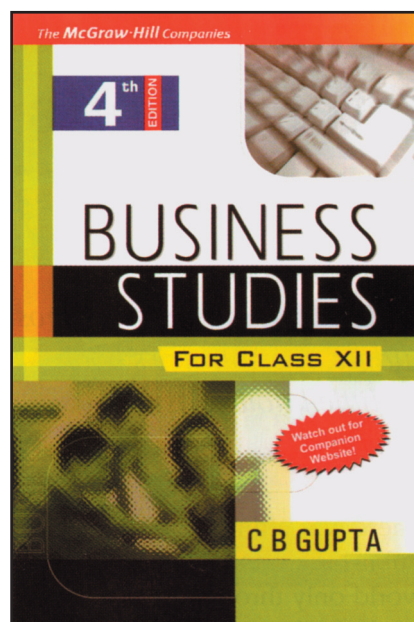
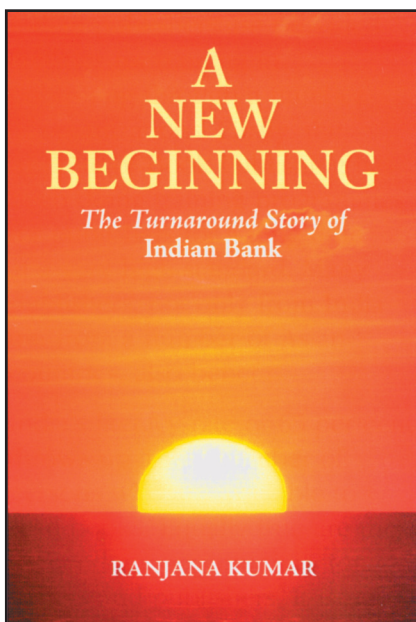
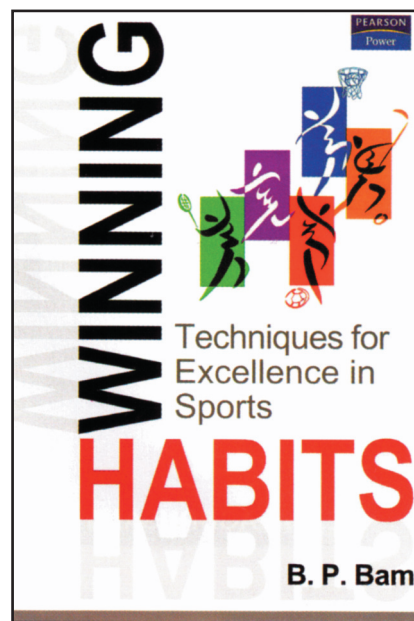
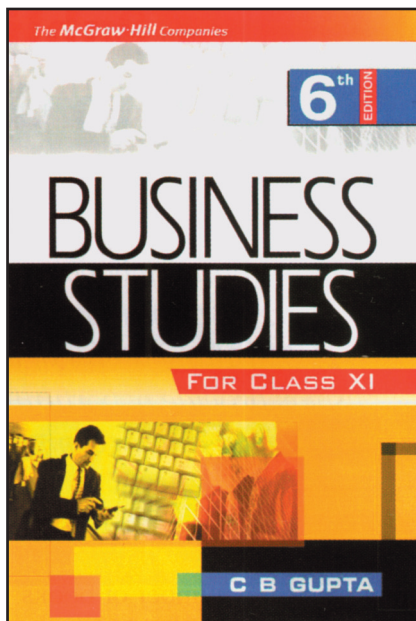
به احتمال قوی هند یکی از بهترین قانون‌های کپی‌رایت (حق مالکیت معنوی) جهان را دارد. بهبود اجرا و اعمال این قانون در اولویت اصلی قرار دارد. مسائل اصلی مورد توجه کپی و تکثیر قاچاق کتب درسی پر فروش و موارد سرقت ادبی از کتب درسی رایج ناشران بین‌المللی و محلی توسط ناشران کوچک هستند. در هر صورت با اعمال و اجرای هماهنگ قانونی به وسیله اقدام گروهی صاحبان این صنعت، پیشرفتی کلی در حمایت از حق کپی‌رایت ناشران کتاب درسی وجود دارد.

همانگونه که پیشتر ذکر شد، هیچ محدودیت یا مانعی برای ورود به بازار انتشاراتی هند وجود ندارد. بنابر این انتخاب‌های بسیار زیادی برای «صادرات و واردات» از هند وجود دارد. ناشران می‌توانند حقوقی را برای ناشران هندی تعیین کنند و نمایشگاه‌های جهانی کتاب و نمایشگاه‌های کتاب لندن و فرانکفورت در دهلی، نو، محل خوبی برای انجام مذاکره در مورد چنین حقوقی هستند. با توجه به تولید فراوان انتشاراتی، ناشران آموزشی هند، به دنبال حقوق چاپ مجدد یا ترجمه‌های آثار اصلی هندی هستند.

با در نظر گرفتن پیچیدگی و تنوع جغرافیایی، زبان و نظام آموزشی







راه به نسبت آسانی برای ورود به بازار از طریق بستن قرار دادهای توزیع و فروش با ناشران و عاملان فروش معروفی وجود دارد که می توانند در قلمرو اختصاصی (به طور معمول شبه قاره ی هند) فهرست خریداران را توسعه دهند. یک بار دیگر گزینه های مختلفی از دفتر ارتباط (شعبه) گرفته تا کار مشترک یا کار صد درصد شرکت وابسته که به طور کامل درون قوانین هستند وجود دارد و به طور معمول اقداماتی است که ناشران خارجی با آزمایش بازار با دو انتخاب قبلی انجام می دهند.

هند را به عنوان یکی از بزرگ ترین، سریع ترین و آزادترین بازارهای انتشاراتی رو به رشد، هیچ ناشری با هدف جهانی نمی تواند در صدر اولویت بازار نادیده بگیرد. با توجه به معیارهای بالای نظام آموزشی هند، بخصوص در رشته های مهندسی و علوم کامپیوتر، محتوای آموزشی هند که شامل کتب درسی است، به سرعت پذیرش جهانی به دست می آورند.

♦ مؤلف در حال حاضر با آموزش مک گراو - هیل هند کار می کند.

• منبع: مجله ی انگلیسی India Perspectives، سپتامبر - اکتبر ۲۰۰۸ م.

بقیه «موقعیت صائب و شاعران سبک هندی در شبه قاره» از صفحه ۲۰

اتخاذ کرده و از حیث جمله بندی و ترکیبات خاص، انسجام و موزونی ای بی مانند به وجود آورده است.

در اکثر آثار گویندگان سبک هندی به لطایفی خاص بر می خوریم. در این غزل امیر خسرو رقت عواطف و عذوبت بیان موج می زند :

جان ز تن بردی و در جانی هنوز	دردها دادی و درمانی هنوز
آشکارا سینه را بشکافتند	واندرون سینه پنهانی هنوز
ملک دل کردی خراب از تیغ ناز	واندرین ویرانه سلطانی هنوز
ما ز گریه چون نمک بگداختیم	تو ز خنده شکر افشانی هنوز

کلام شاعران سبک هندی چون کلیم کاشانی و عرفی، مظهر رقت احساس و تشبیهات بدیع و نمایشگر روح عاطفی آنان است. بسیاری از سخن سنجان روزگار ما دوره ی صفوی را دوران انحطاط شعر فارسی گفته اند و بر این عقیده اند که پس از جامی شعر و ادب فارسی به پستی گراییده است. اگرچه فصاحت و صراحت و سادگی بیان استادان خراسان و عراق و فارس در گویندگان سبک هندی زیاد دیده نمی شود، ولی در عوض این سخنوران از خصوصیت هایی بهره مندند که نمی توان آنها را نادیده گرفت. نادیده گرفتن سخنوران و اندیشمندان سبک هندی چه بسا ما را از انصاف ادبی دور سازد. بیش از سه قرن، صد ها گوینده، چه در شبه قاره و چه در ایران، بدین شیوه سخن گفته و به گونه ای دیگر ادب فارسی را توانگر ساخته اند.

ما هرگز نمی توانیم بر این دوره ی ادبی خط بطلان بکشیم که شاعرانی چون صائب تبریزی، کلیم کاشانی، عبدالقادر بیدل دهلوی، غنی، طالب، عرفی، ضمیری، فغانی، نظیری و صدها سخن سرای دیگر در لاهور، کشمیر، دکن و دهلی به زبان پارسی سخن گفته اند. زیرا باید اذعان داشت که گسترش و توسعه ی ادب و فرهنگ فارسی در هندوستان توسط شعرای پارسی گوی آن دیار برای ایرانیان بی نهایت مایه ی افتخار است.

مسافرت بسیاری از این شاعران چون صائب، کلیم و عرفی به هندوستان برای این بود که شعر فارسی در آن دیار فضل و کمال محسوب می شد و بازار شعر و شاعری کاملاً داغ بود. به قول عبدالرزاق لاهیجی :

حبذا هند کعبه ی حاجات	خاصه یاران عافیت جو را
هر که شد مستطیع فضل و هنر	رفتند هند واجب است او را

و به قول خود صائب :

بلند نام نگرود کسی که در وطن است ز نقش ساده بود تا عقیق در یمن است

می گویند که در دوره ی شاهجهان (۱۰۳۷ - ۱۰۶۸ ق) دست کم سه تن از شاعران ایرانی با نامهای سعیدای گیلانی، حکیم و قدسی به وزن خویش از این پادشاه طلا دریافت کردند؛ و حتی هندوان، به قول صاحب تذکره ی روشن، عده اصنام، به فارسی شعر می سراییدند؛ چرا که زبان فارسی در روح و روان مردم هندوستان جای گرفته بود، نه اینکه صرفاً رابطه ی دینی شاعران ایرانی و درباریان مسلمان موجب گسترش زبان و فرهنگ فارسی شده باشد (سید عبدالله ۱۹۹۲). از طرفی باید خاطر نشان کرد که اگر چه شعرای هند در عهد پادشاهان مغول و بابری ایرانی بودند، ولی محیط ادبی این کشور با محیط ادبی ایران بی اندازه متفاوت بوده است. صائب هرچند در محیط ادب و هنر اصفهان پرورش یافته بود، ولی با وجود آن مجذوب محیط ادبی هند گردید و از فرهنگ، ادب، آیین، رسوم و طبیعت هندوستان برای شعر خود مایه و توشه ی فراوانی گرفت. سبک هندی در اصل یک جریان ادبی است که حدود دو و نیم قرن سیر اندیشه و احساسات بشری را به خود اختصاص داده است و دارای حوزه ی جغرافیایی عظیم و پهناوری است از حد شرقی دکن تا حد غربی روم. تعداد شاعران نامدار این دوره از ۱۵۰ تن نیز فزون است که مشهور ترین آنان عبارت اند از : بابا فغانی (۹۲۲ یا ۹۵۱ ق)، لسانی شیرازی (۹۴۲ ق)، فیض گیلانی (۹۴۴ ق)، شاه طاهر دکنی (۹۵۳ ق)، شرف جهان قزوینی (۹۶۰ ق)، ضمیری اصفهانی (۹۷۳ ق)، غزالی مشهدی (۹۸۰ ق)، قاسمی گنابادی (۹۸۲ ق)، وحشی بافقی (۹۹۱ ق)، ثنایی مشهدی (۹۹۵ ق)، طالب آملی (۱۰۳۵ ق)، کلیم کاشانی (۱۰۶۱ ق)، میرزا جلال اسیر (۱۰۶۹ ق)، غنی کشمیری (۱۰۳۵ ق)، گرامی کشمیری (۱۱۵۶ ق)، صائب تبریزی (۱۰۸۱ ق).

مهمترین ویژگی های سبک هندی به قرار زیر است :

- معنی آفرینی و خیال بندی :

زبان چهره، گل به دامن اندیشه می کنم / خورشید می فشارم و در شیشه می کنم

طالب آملی

- پایه گذاری سخن بر اساس تخیل و تفاهم :

دل آسوده ای داری مپرس از صبر و آرامم / نگیان را در فلاخن می نهد بی تابی نامم

صائب

- شخصیت بخشیدن به ذیروح و تصور کردن مفاهیم خیالی :

کریمان با توانگر هم به احسان پیش می آیند / نباشد چشم بر سامان دریا ابر نیسان را

ناصر علی سهرندی

کسانی که رأی به انحطاط شعر در عهد صفوی داده اند، در شعر شاعران این دوره به دنبال نحوه ی اندیشه در بیان شاعران سبک خراسانی و عراقی گشته اند.

صبرم حریف عربده نیم ناز نیست / شادم که عمر رنجش بیجا دراز نیست

جلال اسیر

دیگر اختصاصات این سبک اینهاست (نک : صفا ۱۳۷۳ : ۵/۵۲۷).

- وفور تمثیل و ارسال مثل :

گرچه محتاجیم، چشم اغنیا بر دست ماست / هرکجا دیدیم آب از جو به دریا می رسد

کلیم کاشانی

- وجود تک بیت های مشهور :

به هوش باش دلی را به سهو نخراشی / به ناخنی که توانی گره گشایی کرد

صائب

- تقلید از اثرهای معروف گذشتگان، به همراه سادگی لفظ :

در مجالس حرف سرگوشی زدن با یکدگر / در زمین سینه ها تخم نفاق افکندن است

- تازگی بیان شعر :

منصفان استاد داندم که از معنی و لفظ / شیوه ی تازه نه رسم باستان آورده ام

صائب

- اقتران آن با طبیعت و محیط زندگی :

یاد گیر از بید مجنون شیوه ی افتادگی / گر گذارند اره بر فرق تو سر بالا مکن

واعظ

- مبالغه در ایجاز و کوتاهی لفظ و بازی با کلمات و واژه ها :

نه دار آخرت، نه دار دنیا در نظر دارم / ز عشقت کار چون منصور نه کار دگر دارم

غنی کشمیری

این خصوصیات همگی از ویژگی های « سبک هندی » عهد صفوی بوده است که بی مهری و کم التفاتی سلاطین صفوی موجب می شود که قهوه خانه ها پایگاه تجلی شعر در ایران شود و گروهی جلای وطن کنند. اما باید اذعان داشت که این مهارت دارای فوایدی نیز بوده است. از جمله گسترش زبان در خارج و به کار بردن زبان و دخول واژگان معمولی و مردمی، که رنگی تازه به شعر در دوره ی صفوی داد.

- دکتر غلامحسین یوسفی (۱۳۷۱ : ۲۳۹_۲۶۴)، شعر صائب را به نوعی « رئالیسم خاص » تعبیر می کند. به نظر بعضی از محققان، راحت طلبی شاعرانی که تقلید را بهتر از تتبع در اشعار و دیوان های شعرای این عصر می دانسته اند موجب افول این سبک و سستی بنای آن شده است که بی التفاتی و بی لطفی لطفعلی بیگ آذر بیگدلی شاعر و صاحب تذکره آتشکده ی آذر از آن جمله است (خانلری ۱۳۵۵).

گروهی علت تسمیه این سبک به سبک هندی را چنین بیان کرده اند : چون شاعران به دیار هند سفر کرده اند و سال ها در شبه قاره سکونت گزیدند، لذا سبک آنان به سبک هندی نامگذاری شد؛ ولی گروهی دیگر می گویند : چون گویندگان بومی آن سرزمین نظیر فانی، غنی، بیدل، ناصر علی گرامی، غنیمت، ثابت، اشعاری نظیر و شبیه به شعرای ایرانی مقیم دربار هند می سرودند و شعرشان دارای مشترکاتی در خصوصیات شعری بوده است، به آن اشعار عنوان هندی اطلاق می کنند؛ اشعاری که در محدوده ی همان عصر و زمان گفته شده نه مقدم و نه مؤخر از آن که طبق این تعریف فیضی دکنی را نمی توان در این تعریف جای داد، اگر چه هندی است و تربیت یافته ی فارسی زبانان بوده و به فارسی شعر سروده است؛ لیکن او اصرار در شیوه و سبک شعری پیشینیان خود داشته، نه عصر خود (شادروان : ۳۵). محیط طباطبایی (۱۳۷۱ : ۱۹۸) در انتقاد از علت تسمیه ی این سبک به هندی، به جهت اینکه رفت و آمد شعرا به هند موجب این نامگذاری شده است، می نویسد : بی شک طی هفتاد سالی که قندهار پس از فتح آن به دست شاه عباس دوم صفوی (۱۰۵۹ ق) در دست سرخ کلاهان صفوی اداره می شد رفت و آمد به هندوستان به حد اقل تقلیل یافته بود، در مقابل اصفهان شکوه و قدرت پیدا کرده بود و حتی ادبا و شعرا از هند و بلخ و بخارا پیاده به اصفهان می آمدند ... مورخین ادبی چرا این علت را نادیده گرفته و چرا این سبک را «سبک اصفهانی» نامیده اند که صائب نیز جای طالب آملی را در اصفهان باشکوه خالی احساس می کند و می گوید :

به طرز تازه قسم یاد می کنم صائب که جای بلبل آمل در اصفهان خالی است
 به هر حال آنچه مسلم است اینکه هنوز تحقیق دقیق از سبک هندی و موافقان و مخالفان آن ارائه نشده است.

به قول یونس جعفری، مایه ی مسرت و خوشی است که محققان و دانشمندان ایرانی عاقبت الامر عظمت و بزرگواری شاعر ترکی زبان پارسی گوی، صائب تبریزی (۱۰۰۲ - ۱۰۸۸ ق) را دریافتند و به خاطر بزرگداشت آن شاعر نامدار سه روز (۲۷ تا ۳۰ دی ماه ۱۳۵۴ ش) در کتابخانه ی مرکزی دانشگاه تهران جلساتی تشکیل دادند و نویسندگان در موافقت و مخالفت سبک وی سخنرانی ایراد کردند و اظهار عقاید و آرا نمودند. گویا کلام شاعری که تقریباً سه قرن در زیر گرد و خاک اخفا در طاق نسیان مانده بود، یک مرتبه پیدا گردیده و مورد بحث و تفصیل قرار گرفته است. ولی ما هندیان با اینکه فارسی زبان نیستیم، در هیچ عهد و عصری او را فراموش نکرده ایم و نخواهیم کرد (جعفری ۱۳۷۵ : ۲۴۹).

موقعیت صائب در میان شعرای اردو زبان هند

شاعری هندی متخلص به ناصر^۲ در جواب یکی از غزلیات صائب چنین می سراید :

نو بهار آمد دگر دیوانه می باید شدن صد بیابان از خرد بیگانه می باید شدن

کعبه و بتخانه سنگ آستانی بیش نیست
در تلاش وصل صاحبخانه می باید شدن
مطلع و مقطع غزل صائب چنین است :

پیش مستان از خرد بیگانه می باید شدن
چون به طفلان می رسی دیوانه می باید شدن
آشنای معنی بیگانه گشتن سهل نیست
صائب از هر آشنا بیگانه می باید شدن

میر تقی میر متخلص به میر (۱۱۳۵ - ۱۲۲۵ ق) از برجسته ترین شعرای اردو زبان است. در عصر وی شعر گفتن به زبان فارسی متداول و مایه مباهات و افتخار بود. میر تقی میر، از آنجا که مقلد صائب تبریزی بود، مخمسی بر غزل او سرود که دو بند از آن در ذیل نقل می گردد :

من نمی گویم که جان در کار عشرت کن مرا
یا چو غم گلدسته بند داغ حسرت کن مرا
ره به در زین ظلمت آباد ضلالت کن مرا
از فروغ عشق خورشید قیامت کن مرا

غزلی که میر تقی میر بر آن مخمس سروده، در نسخه کلیات صائب تبریزی مطبوعه ی کتابفروشی خیام در صفحه ی ۱۳۷ درج گردیده است. میر تقی میر زمانی که شعر گفتن به زبان اردو را آغاز کرد، با مطالعه ی دقیق دیوان صائب سبک شعر گویی وی را به زبان اردو انتقال داد. شعری که میر تقی میر به زبان اردو سروده چنین است :

سچ پوچھو تو کب هوگا اس کا سادھن غنچہ
تسکین کی لئی ہم نی اک بات بنالی ہی
این بیت اردو در اصل ترجمه ی منظوم این بیت صائب تبریزی است :

محض حرف است که او را دهنی ساخته اند
در میان نیست دهانی، سخنی ساخته اند

سخنان صائب پس از مراجعت وی از دیار هند به کشور ایران (۱۰۴۲ ق) چنان مورد پسند شعرای اردو زبان قرار گرفت، که هرکس تقلید سبک او را برای خود افتخار می دانست. چنان که حکیم ابوالقاسم میر قدرت الله، متخلص به قاسم، صاحب تذکره ی مجموعه ی نغز، که مشتمل بر شرح احوال و اشعار سرایندگان اردو زبان است، درباره ی شاعری به نام میرزا بیگ، متخلص به عظیم، می نویسد :

« ... خیال شاعری در کاخ دماغش چنان پیچیده بود که خود را صائب هندی می پنداشت. »

همچنین میرزا اسدالله خان غالب (۱۲۱۲ ق) از شاعران و نویسندگان فارسی و اردو سرای قرن سیزدهم هجری که پس از امیر خسرو دهلوی (۷۵۲ ق) بزرگترین شاعر فارسی سرای هندوستان است، در یکی از نامه هایش می نویسد: « من پیرو اهل زبان (فارسی زبانان) هستم و میان شعرای هند فقط امیر خسرو دهلوی را مورد توجه خاص خود قرار می دهم تا زمانی که از کلام قدما یا متأخرین مانند صائب و کلیف، اسیر، حزین، لفظ و یا ترکیبی نبینم به نظم و نثر نمی پردازم.

غالب در جایی دیگر می گوید :

کعبه کس منہ سی جاؤگی غالب
شرم تم کو مگر نہین آتی

و بیت صائب :

با کد امین آبرو در کعبه آرم روی خویش من که سر جوش حیاتم صرف در بتخانه شد

نفوذ شعر و شخصیت صائب در شعرا و ادبای هند به حدی بوده است که شعر وی را سند قرار می‌داده‌اند؛ به عنوان مثال شاعری هندی تبار به نام خواجه عزیز این بیت از اشعار خود را در حضور میرزا غالب دهلوی خواند :

زلیخا کور شد از حسرت خوابی که من دارم مه مصر است داغ از رشک مهتابی که من دارم

میرزا غالب بر این شعر ایراد گرفت و گفت : من تاکنون « مه کنعان » شنیده بودم ولی « مه مصر » از نظرم نگذشته بود. خواجه عزیز بلافاصله این بیت صائب را می‌آورد :

ز صد هزار پسر همچو ماه مصر یکی چنان ش—ود که چ—راغ پدر کند روشن

اقبال لاهوری (۱۸۷۷ - ۱۹۳۶ م) از بزرگترین شعرای انقلابی شبه قاره نیز در بسیاری از ابیات خود از صائب اقتباس کرده است (اقبال ۱۹۹۹) :

عجب کیا گر مه و پروین میری نخجیر هو جائین که بر فتراک صاحب دولتی بستم سر خود را
 همان بهتر که لیلی در بیابان ج—لوه گر باشد ندارد تنگنای شهر تاب حسن لیلی صحراپی
 صائب می‌گوید :

از آن خورشید بر گرد جهان سرگشته می‌گردد که بر فتراک صاحب دولتی بندد سر خود را

مولانا ابوالکلام، متخلص به آزاد (۱۸۸۴ - ۱۹۵۷ م) نخستین وزیر فرهنگ هند پس از استقلال از انگلیس، از رهبران آزادیخواه هند بود و چندین بار زندانی شد، نامه‌هایی از زندان برای دوستان خود می‌نگاشت که بعد ها به صورت کتابی تحت عنوان غبار خاطر منتشر گردید. او در پایان نامه‌ی نهم خود این دو بیت از صائب را عیناً نقل کرده است :

درین دو هفته که چون گل درین گلستانی گشادی روی تر از رازهای مستان باش
 تمیز نیک و بد روزگار کار تو نیست چو چشم آینه در خوب و زشت حیران باش

برای اردو زبانانی که زبان شیرین فارسی را به منزله‌ی یکی از زبانهای کلاسیک در شبه قاره فرا می‌گیرند، شعر صائب جایگاه و قدر و منزلتی خاص دارد. ایشان اگرچه از استادانی چون فردوسی، نظامی، مولوی، سعدی و حافظ نیز بی‌بهره نبوده‌اند، اما چون صائب هفت سال از عمر خویش را در این مرز و بوم گذرانیده و تحت تأثیر آداب و سنن و محیط این کشور به شعر و شاعری پرداخته است، بدین سبب با سروده‌های او مانوس تر از کلام دیگر شاعران ادب فارسی هستند. در اینجا جا دارد به نکاتی بپردازیم که نمایانگر و نماینده‌ی حضور صائب در هند است. به جرئت می‌توان گفت که درک عمیق آنها منحصرأ از عهده‌ی کسانی بر می‌آید که بر تاریخ، فرهنگ، آداب و رسوم و سنن هند آشنایی دارند.

به گفته ی یونس جعفری، محقق و استاد زبان فارسی در دهلی نو، کلیه چاپهای ایرانی دیوان صائب از چند جهت ناقص است: اول اینکه ایرانیان به خاطر ندانستن معنی بعضی کلمات هندی به عنوان مثال پان، بسنت^۳، و غیره تمام و یا قسمتی از غزلی که این کلمات را در بر داشته حذف کرده اند. دوم اینکه به علت دسترسی نداشتن به نسخه های کامل تر که در هند موجود است، دیوان صائب چاپ ایران را نمی توان کلیات صائب دانست (جعفری ۱۳۷۵: ۲۴۴).

اینک به بحث و بررسی نمونه هایی از این اشعار می پردازیم:

چه خون که در دلم از آرزوی بوسه کند
در آن زمان که کند سبز من لب از پان سرخ

پان در لغت به نوعی برگ بوته ی گرمسیری می گویند که در سر تا سر شبه قاره، به غیر از دو ناحیه ی سند و پنجاب، به وفور می روید. از این برگ که به اندازه ی کف دست و به رنگ مغز پسته ای و شبیه به قلب بزرگی است، در زمره ی تنقلات استفاده می کنند. متداول ترین صورت استفاده ی آن چنین است که مقداری عصاره ی پوست درخت مغیلان، قدری گچ یا آهک و مقداری ادویه ی مخصوص را در داخل برگ پان (برگ تنبول) می ریزند و آن را همانند دلمه می پیچند، آنگاه در دهان می گذارند و می جوند که پس از مدتی رنگ قرمز تمام لب و دندان را فرا می گیرد.

موقعی که هندوها در معابد مقابل اصنام خود به نیایش می پردازند، اورادی را زمزمه می کنند. آنان زنگها را پشت سر هم به صدا در می آورند و هنگام طلوع آفتاب و غروب در صدف دریایی سفید رنگی به نام سنکه (sankha) می دمند. گاهی توجه به این صدای صدف دریایی موی بدن انسان را سیخ می کند. این منظره را مطمئناً صائب از نزدیک مشاهده کرده است که می گوید:

نالۀ ناقوس دارد هر سر مو بر تنم
این سزای آنکه از بتخانه می آید برون

مردمان سرزمین هند هفت سیاره را هفت خدا می پندارند و روزهای هفته را به نام این سیارات نامگذاری کرده اند. آنان معتقداند که برخی از سیارات مبارک اند و برخی نحس و بدشگون. سعادت یا بدشگونی این سیارات بر زندگی انسانها منعکس می شود. در زبان سنسکریت زحل را شنی (shani) می گویند. این سیاره روزهای شنبه اثر خود را بروز می دهد. هندوان روز شنبه کاری نمی کنند و همچنین خرید و فروش زغال، روغن و کالاهای آهنی در این روز انجام نمی شود. برهمنان طبقه ی فقیر تکه آهن بریده ای را همانند پیکره ی انسان می سازند و در روغن خردل فرو میبرند و در حالی که بر گردن پیکره ی آهنی انسان نما و گل زرد مقدس «گیندا» را آویزان کرده اند، در خیابان ها می گردند و از مردم برای رفع بلای روز شنبه طلب نیاز می کنند. مردم نیز برای دوری گزیدن از بلای روز شنبه به این افراد پول یا مواد خوراکی می بخشند. مردم هند معتقدند اگر شنی از انسان روی برگرداند، انسان مستوجب بلای هفت سال و شش ماه خواهد شد. صائب نیز همانند یک شهروند هندی این روز را به نامبارکی یاد می کند:

دلم به اختر بد روز شنبه صاف شود
ستاره پنبه گذارد اگر به داغ پلنگ

حضرت نظام الدین اولیا (۶۳۴ - ۷۲۵ ق) از برجسته ترین صوفیان هند محسوب می شود. وی در عهد سلطان غیاث الدین تغلق (۷۲۱ - ۷۲۵ ق) می زیست و دهلی را مقر ارشاد و هدایت خود ساخته بود. پادشاه وقت در وی به نظر استحسان نمی نگریست و همیشه در پی آزارش بود. مردم هند کراماتی را به وی منسوب داشته اند. میان عقیده مندانش معروف است که زمانی در جوار خانقاهش قناتی می کردند. اتفاقاً در همان روزها به فرمان غیاث الدین تغلق پی ریزی قلعه ی تغلق آباد شروع شده بود (خرابه ی این قلعه به سمت جنوب شهر دهلی هم اکنون پا بر جاست). بنایان تمام روز حصار و برج و باروی قلعه را می ساختند و شبها در قنات کار بنایی را ادامه می دادند. سلطان غیاث الدین چون متوجه شد که کارگران احساس خستگی می کنند و کار بنایی به کندی پیش می رود، جویای

علت گردید و چون از اصل موضوع آگاهی یافت، کارگران را از انجام آن کار خیر باز داشت. ولی آنها مخفیانه قنات را ساختند. سلطان چون با خبر شد، به خشم در آمد و فرمان داد که کسی در بازار روغن نفروشد. پس از دریافت نمودن این خبر نظام الدین امر فرمود که در چراغها به جای روغن آب بریزند و از کرامت وی چراغها روشن گردید. صائب در بیت زیر این واقعه را چنین بیان می کند :

از چراغ دیده ی من آب روغن می شود بخت چون باشد چراغ از آب روشن می شود

معمولا هندوها صبح زود پس از استحمام و نیایش، رو به آفتابی که از افق سر بر آورده است، برای جلب خیر در آخرت، مقداری آرد، قند قرمز به نام « گر » (که از آب نیشکر تازه تهیه می شود)، برنج و کنجد تف داده ی سیاه رنگ مخلوط می کنند و در برابر لانه و گذر مورچگان می ریزند و به قول ایشان « پرشاد » (نذری) به مورچگان می بخشند. ریختن دانه در رهگذر مورچگان و پرندگان جزء سنن عبادی مذهب هندو است. درباره ی این رسم صائب می گوید :

خرمنی در دامن صحرای محشر سبز کرد هر که مشمت دانه ای در رهگذار مور ریخت

همچنین در مذهب هندو آزار رساندن به هر موجود زنده ای کفر محسوب می شود؛ این اصل نیز در شعر صائب به این شکل تجلی می یابد :

اگر چه کفر بود پیش هندوان آزار به خون خلق دلیر است خال هندویش

چندن یا صندل چوبی است خوشبو که از عهد سلطان محمود غزنوی (۳۷۸ - ۴۲۱ ق) مورد پسند شعرای فارسی زبان بوده است؛ چنان که منوچهری دامغانی (متوفی ۴۳۲ ق) گفته است :

عنان بر گردن سرخس فکنده چو دو مار سیه بر شاخ چندن

از دوران قدیم تا عصر حاضر، صندل برای معطر ساختن بدن، از لوازم آرایش محسوب می شده است؛ چنان که از دربار شاهان به معابد راه یافته است و برهمنان برای معطر ساختن پیکره ی خدایان خود از آن استفاده می کردند. بعدها برهمنانی که عهده دار انجام نیایش بودند، پیش از وقت عبادت مقداری از خمیر صندل را روی پیشانی خود می مالیدند تا مشخص شود که کدام یک از برهمنان نذرها را قبول می کند. جالب اینکه این رسم هنوز هم در معابد هندوستان بر پاست. صائب در این مورد می فرماید :

جبهه ی من غوطه در گرد کدورت خورده است غیر پندارد که صندل بر جبین مالیده ام

و در جای دیگر می فرماید :

فارغ از درد تن هستی ناقص گردد هر که مالد به جبین صندل بتخانه من

صائب از آنجا که در سرزمین هند سالها می زیسته است، به تاثیر چوب صندل نیز به خوبی واقف بوده است. چوب این درخت سرد است و دافع حدت زهرها. علت غایی مالیدن خمیر بر روی پیشانی قبل از نیایش، این است که عابد خنک بماند و بدون سرگیجه بتواند توجه خود را متمرکز کند و با خضوع و خشوع محو ریاضت و یا عبادت خود باشد. نکته ی قابل توجه دیگر اینکه صندل را برای رفع سردرد به پیشانی می مالیدند که این رسم درمان هنوز هم در هند رواج دارد.

رام از خدایان هندوان است. وی از بطن کوشلیا (Kaushalya) همسر راجه جنک (Janak) فرمانروای ایالت آیودھیا متولد شده است. در اساطیر هندی آمده است : وی هنوز طفل شیرخواری بود که شبی در هوای صاف و بی ابر، ماه کامل و درخشان را دید

و خواست آنرا بگیرد؛ چون دید دستهایش به آن نمی رسد، ناراحت شد و گریه سر داد. مادرش هرچه خواست سرگرمش کند و توجهش را به چیز دیگری معطوف سازد، موفق نشد. چون از کار طفل خسته شد، وزیر را خواست و جریان را برایش تعریف کرد. وزیر خادمی را گفت که ظرف آبی بیاورد. چون رام عکس ماه را در ظرف دید، خوشحال مشغول بازی کردن و در دست گرفتن عکس ماه شد. برخی این حکایت را به کرشن الهه ی عشق منسوب دانسته اند. گویا صائب نیز این حکایت را در هند شنیده است که در بیتی می گوید :

در خاک تیره دیدن نور صفت کمال است هر طفل می تواند مه را در آب دیدن

پاتانه اگر چه لغتی فارسی است، اما در زبان هندی و همچنین روستاهای ایران مستعمل است. در هندوستان روی چهارپایه چارچوبه ای می سازند که به آن چهارپایی یا کهات (Khat: تختخواب) می گویند. این چهار پایه را با نخ مخصوص می بافند و یک طرف آن را در طول با طناب می بندند تا تمام بافت شل نشود. قسمتی را که با طناب بسته می شود «پاتانه» می گویند؛ زیرا شخص هنگام خواب پاهایش را به طرف آن دراز می کند. اگر شخصی وارد خانه ی اعیان و اشراف شود و صاحبخانه به وی اجازه ی نشستن بدهد، معمولاً مهمان برای اظهار انکسار و تواضع روی پاتانه می نشیند. صائب نیز حس انکسار را چنین بیان می کند :

بر صدر بود چشم تواضع طلبان را آسوده بود هر که به پاتانه نشیند

جگنو (Jognu) کلمه ای هندی و نام حشره ای است از خانواده ی سوسک ها که معادل انگلیسی آن Fire-Fly (مگس آتش) و لاتینی آن Photurus است که تنها در مناطق گرمسیری یافت می شود. به خاطر ماده ای سبز رنگ، دارای خاصیت درخشندگی است. در اشعار فارسی زبانان چون صائب که سالها در این سرزمین زندگی کرده اند، وصف این حشره به چشم می خورد.

نصرالله منشی در کلیله و دمنه جگنو را به اسم «یراعه» معرفی کرده است. مجتبی مینوی هم در حاشیه همین کتاب این کلمه را کرم شب تاب دانسته است، در حالی که این جانور نه کرم بلکه نوعی حشره است که قدرت پرواز دارد. صائب از آن به عنوان کرم شب افروز یاد می کند :

روز روشن نشود کرم شب افروز سفید با رخ خوب تو چون ماه برابر گردد

صائب، ملک الشعراء دربار شاه عباس دوم، حتی در دربار اورنگ زیب هم مورد عنایت خاص قرار گرفت. در حالی که اورنگ زیب از جمله پادشاهان مغول است که در کتب تاریخی هند او را عامل «رکود هنر» پنداشته اند و به خاطر اعتقادات خشک مذهبی « مجرم مذهبی » دانسته اند. می گویند روزی نوازندگان و خنیاگران تابوت به دست از پیشگاه او عبور می کردند. پادشاه سبب را جویا شد، گفتند : این موسیقی است که آن را تشییع می کنیم؛ چرا که او در این عصر مرده است. اورنگ زیب با قاطعیت گفت : چنان عمیق خاکش کنید که تا قرنهای آوازه اش بر نخیزد. ولی جالب اینجاست که همین اورنگ زیب در مقابل اشعار صائب بسیار نرم و رام بود. بر این مسأله در تاریخ تأکید شده است. چنان که محمد ساقی، ملقب به مستعد خان، صاحب مؤثر عالمگیری - که وقایع پنجاه ساله ی عهد فرمانروایی اورنگزیب عالمگیر (۱۰۶۸ - ۱۱۱۸ ق) را در بر دارد - ذکر وقایع ماه شوال ۱۱۰۷ ق، در چهلمین سال جلوس پادشاه، می نویسد : مخلص خان بخشی الملک دیوان صائب را به پادشاه عرضه کرد و چون بیشتر ابیات وی مبنی بر پند و نصایح است، به این خاطر دیوان مزبور مورد پسند و عنایت شاه قرار گرفت. در محضر اورنگ زیب این غزل صائب خوانده شد :

خم چو گردد قد افراخته می باید رفت پل بر این آب چو شد ساخته می باید رفت

راه باریک عدم راه گرانباران نیست هرچه داری همه انداخته می باید رفت

اورنگ زیب آن را با کمال میل و رغبت شنید و از آن پس شاعران دربار وی از اشعار صائب تتبع نمودند.

پس به نقش افکار و اشعار صائب در دوره ی « رکود هنر » در هند به دیده ی مباحثات و افتخار باید نگریست. این مسئله باید ما را از بی اهمیت شمردن و انتقادهای سخت بر سبک هندی و شاعران این دوره باز دارد؛ زیرا در دوره ای که موسیقی به کنایه دهن شد و اورنگ زیب زمانه آن را مدفون تر ساخت، صائب به شعر و هنر و فرهنگ در شبه قاره زندگی دوباره بخشید.

همایون (۹۳۷ - ۹۶۳ ق) از اجداد اورنگ زیب، دومین پادشاه مغول هند، با کمک شاه تهماسب صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴ ق) توانست حکومت شمال هند را باز پس بگیرد. از همین دوره گروههای هنرمندان و دانشمندان از ایران و دیگر بلاد آسیای مرکزی سیل آسا به طرف شبه قاره سرازیر گردیدند که این سیر مهاجرت تا انقراض حکومت شاهجهان (۱۰۳۷ - ۱۰۶۹ ق) ادامه داشت. پس از وی، به علت جنگهای داخلی میان چهار پسرش، شکوه و عظمت فرهنگی درهند به کاستی گرایید و به جهت اختلاط ترکان پارسی گوی و فارسی زبانان، سبک جداگانه ای به وجود آمد که از فارسی ادبی ایرانیان و تورانیان کاملاً جدا بود.

در این عهد، اهل ادب در شبه قاره، سبک فارسی نویسی ترکان تاجیک را پذیرفتند، ولی در شعر تحت تأثیر اصفهانیان باقی ماندند و در اصل این سبک شکل تحول یافته ی سبک خراسان و عراقی است. دولت مغولان بابر هندی (۹۳۲ - ۱۲۷۵ ق) موقعی در هند تشکیل شد که صفویان (۹۰۷ - ۱۱۴۹ ق) و ترکان عثمانی (۶۹۹ - ۱۳۴۲ ق) در آذربایجان با یکدیگر در رقابت بودند. صفویان از طرفی ترویج تشیع سعی بلیغ می نمودند.

مغولان بابر هندی حکومت خود را به دو گروه منقسم کردند و یکی را تورانی خواندند و دیگری را ایرانی. تورانیان بیشتر اهل تسنن بودند و ایرانیان شیعه مذهب. هر گروه به نحوی سعی در جلب رضایت پادشاه زمان داشت و کار شاه برقراری توازن و تعادل بین این دو گروه بوده است. زبان و ادب فارسی در هند از رقابت و همچشمی سیاسی میان ایرانیان و تورانیان مصون نماند. چنان که هرچه ایرانیان می نوشتند و می سرودند مورد پسند تورانیان واقع نمی شد و عکس قضیه نیز صادق بود. اهل ادب و فضیلت ادب فارسی ساکن شبه قاره از این مشاجرت ادبی مصون نماندند. این مجادلات و مشاجرات ادبی در ذهن مردم ادیب شبه قاره خلأیی ایجاد کرد و گروهی را به طرف سبک تورانیان کشاند. این مشاجره های ادبی و لسانی تا قرت دوازدهم ادامه پیدا می کند تا دو قهرمان ادبی به نام خان آرزو (متوفی ۱۱۶۹ ق) شاعر هندی و شیخ علی حزین لاهیجی (۱۱۰۳ - ۱۱۸۰ ق) وارد صحنه ی ادبیات می شوند.

شیخ علی حزین از زبان فارسی ایرانیان دفاع کرد و خان آرزو معتقد به مستند بودن شعر و نوشته های تورانیان بود. اما قبل از اوج درگیری ادبی میان این دو گروه، گروهی که صائب تبریزی در صدر آن قرار داشت، در صدد بهره گرفتن و مستفید شدن از هر دو نهضت ادبی بودند و صائب از یک سو از جوی مولیان و آب رکناباد سیراب گردید و از طرفی، رود تازه ای در زمین میان رودهای گنگا و جمنا جاری ساخت. وی از یکسو از شاعران پارسی گوی ترک مانند امیر خسرو (۶۵۱ - ۷۲۵ ق) تبعیت کرد و از سوی دیگر از سروده های شاعران بزرگی چون حافظ، سعدی و مولانا بهره گرفت و از سبک آنان پیروی کرد. بنابراین می توان به جرأت ادعان داشت که صائب سفیر ادبی و فرهنگی زمان خود بود؛ چنانکه خود او در چندجا می گوید :

این آن غزل خسرو معنی است که فرمود	خوبان عمل فتنه ز دیوان تو یابند
صائب این آن غزل سعدی است که گفت	عشقبازی دگر و نفس پرستی دگر است
به شعر صائب از آن می کنند رغبت خلق	که یاد می دهد از طرز حافظ شیراز

از گفته ی مولانا مدهوش شدم صائب

این ساغر روحانی صهبای دگر دارد

صائب پس از گرد هم آوردن افکار شعرا و عرفا و سرایندگان سبک خراسانی و همچنین عراقی، در شعر راه تازه ای گشود که که مبتنی بر تحمل و بردباری و احترام گذاشتن نسبت به افکار و عقاید دیگران بود، چیزی که شعرای اردو زبان آن را « صلح کل » نامیده اند.

کعبه و بتخانه سنگ آستانی بیش نیست

در تلاش وصل صاحبخانه می باید شدن

خواهی به کعبه رو کن خواهی به سومنات

از اختلاف راه چه غم، رهنما یکی است

این گونه افکار و احساسات با بزرگ ترین سرزمین سکولار دنیا، هندوستان، بسیار سازگار است و چنین عقایدی برای این نظام بسیار با ارزش است؛ چرا که هندوستان همیشه مکان مناسبی برای میزبانی افکار سکولار بوده است. مؤسس فرقه ی سیکها و عارفی چون بابا فرید، بی گمان به نوعی تحت تأثیر افکار عرفا و شعرای خراسانی بوده اند.

از آنجا که شالوده ی زبان اردو با ارسال المثل آمیخته شده است، در آغاز غزلسرایی و شعر سرودن به زبان اردو، این سبک با قدرت تمام وارد شالوده ی زبان اردو گردید و باید گفت که از دوره ی میر تقی میر تا عصر حاضر دیگر از این صنعت پیروی نمی شود.

به این ترتیب می توان مدعی شد که تا نیمه ی قرن بیستم میلادی در سر تا سر شبه قاره ی هند هیچ شاعر و ادیب اردو زبانی یافت نمی شود که با شعر و شاعری و سبک صائب آشنایی نداشته باشد. حکیم جمیل فرزند حکیم اجمل خان که در نهضت آزادی هند سهم بسزایی داشته است، کتابی به نام میری پسند (یعنی انتخاب من) دارد که در آن از صفحه ی ۲۷ تا ۴۷ ابیات منتخب صائب را آورده است. در عصر حاضر آقا قزلباش و شمیم عثمانی به ترجمه ی ابیات و غزلیات صائب همت گماشته اند. صائب می گوید :

کفر و دین را پرده دار جلوه ی معشوق دان

گاه در بیت الحرام و گاه در بتخانه باش

ترجمه ی آقا قزلباش به زبان اردو چنین است :

کفر و دین کو پرده دار جلوه معشوق دان

کعبه مین جا اور کبھی خاک در بتخانه بن

توجه مستشرقان به سبک هندی

در اروپا برخی از مستشرقان توجهی خاص به سبک عهد صفوی نموده اند. این محققان عموماً به دو گروه تقسیم می شوند : شرق شناسانی که به تحقیق در تاریخ ادبیات فارسی و فرهنگ اسلامی ایران پرداخته اند و مشهورترین آنها عبارت اند از هرمان اته، ادوارد براون، یان ریپکا، برتلس، شبلی نعمانی؛ گروه دوم کسانی هستند که به قصد مقایسه و تطبیق میان دو اثر از دو شاعر و یا دو نویسنده کار کرده اند. مثلاً بین سبک هندی، مکتب باروک و سبک شعر فارسی عهد صفوی مقایسه هایی به عمل آورده اند.

نتیجه

باید اذعان داشت که صائب با شیوه ی خاص خود در سبک هندی، همچون اسرافیلی در دوره ی رکود هنر در هند، در صورت دیدم و

پیام آور صلح و دوستی و سکولاریزم گشت. او و دیگر شاعران این سبک همچون رایزنان فرهنگی، فرهنگ و ادب سه هزار ساله ی ایران و هند را رونق بخشیدند. صائب در دامان دایه ی ادب فارسی، یعنی هندوستان، رشد کرد و به مادر زبان فارسی خود، سرزمین ایران، عظمتی جاودانه بخشید.

پاورقی ها

- ۱ - برای آگاهی از اسامی و شرح حال این شعرا، نک : گلچین معانی ۱۳۶۹.
- ۲ - نواب نظام الدوله ناصر جنگ، متخلص به ناصر خلف دوم نظام الملک آصف جاه مؤسس دولت آصفیه در ایالت حیدر آباد، جنوب هند، از اولاد و احفاد خواجه عابد سمرقندی.
- ۳ - فصل بهار در هندوستان که با رویش گل‌های زرد خردل آغاز می شود.

منابع:

- اقبال، محمد، ۱۹۹۹، کلیات اقبال، علی‌گره، ایجوکیشنال بک هاوس.
- بهار، محمد تقی، ۱۳۳۷، سبک شناسی، تهران، امیرکبیر.
- جعفری، یونس، ۱۳۷۵، ارمغان ادبی، تهران.
- خانلری، پرویز، ۱۳۵۵، «یادی از صائب»، صائب و سبک هندی، به کوشش محمد رسول دریا گشت، تهران قطره.
- خوشگو، بیندرا بن داس، ۱۹۵۹، سفینه خوشگو، پتنه.
- صفا، ذبیح الله، ۱۳۷۳، تاریخ ادبیات در ایران، تهران.
- سید عبدالله، ۱۹۹۲، فارسی ادب مین هندوون کاحصه، دهلی نو، انجمن ترقی اردو.
- شادروان، حسن، اقبال شناسی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- شبلی نعمانی، ۱۳۸۳، دیوان صائب تبریزی، پرویز خانلری، تهران، نگاه.
- گلچین معانی، احمد، ۱۳۶۹، کاروان هند، مشهد، آستان قدس رضوی.
- محیط طباطبایی، سید محمود، ۱۳۷۱، «بازگشت سبک هندی به ایران»، صائب و سبک هندی، به کوشش محمد رسول دریا گشت، تهران، قطره.
- یوسفی، غلامحسین، ۱۳۷۱، «تصویر شاعرانه ی اشیا در نظر صائب»، صائب و سبک هندی، به کوشش محمد رسول دریا گشت، تهران، قطره.

جونپور

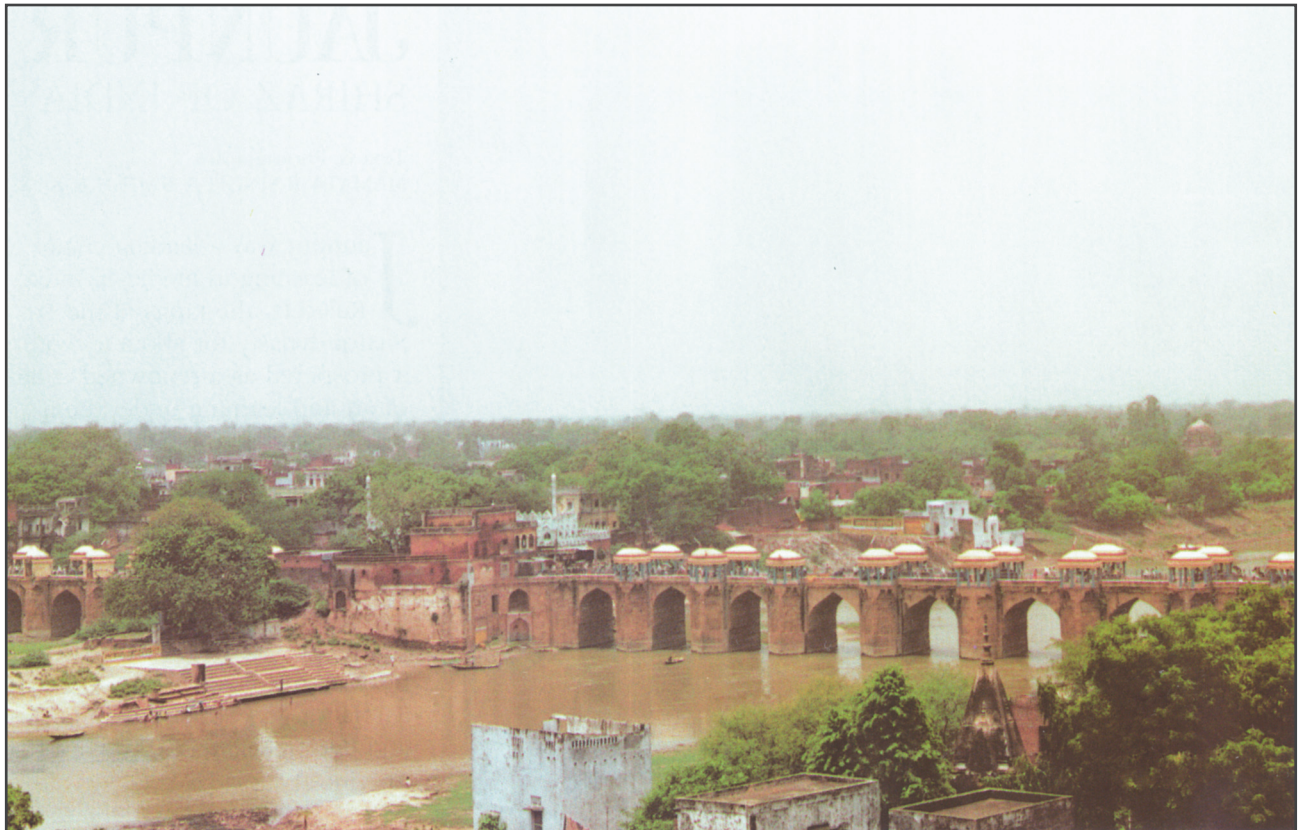
شیراز هند

متن و عکس: ممتا آر سینگ و راجیش کی. سینگ
(Mamta R Singh & Rajesh K. Singh)

سلطان دهلی، حکومت مناطق شرقی را به ملک سرور، اشراف زاده مقتدر خواجه، محول کرد و جونپور را پایتخت استانی آن اعلام کرد، اهمیت پیدا کرد. فیروزشاه هم چنین لقب "خواجه جهان" به ملک سرور بخشید. حمله مغول ها به دهلی به رهبری تیمور سبب آشفستگی و اغتشاش در هند شمالی شد. ملک سرور از اوضاع متزلزل استفاده نموده و در سال ۱۳۹۴ میلادی خودش را از سلطنت دهلی جدا کرده به عنوان پادشاهی مستقل اعلام موجودیت کرد و لقب "

جونپور (Jaunpur) مرکز مهم علم و دانش در هند قرون وسطی بود. این شهر که به مدت یک قرن تحت حکومت پادشاهان سلسله شرقی بود تحت لوای آنها به عنوان یک مرکز معروف هنر و دانش رونق داشت. این شهر در کرانه رود گومتی (Gomati) به فاصله تقریباً پنجاه کیلومتر از واراناسی (بنارس سابق) و در غرب آن قرار دارد.

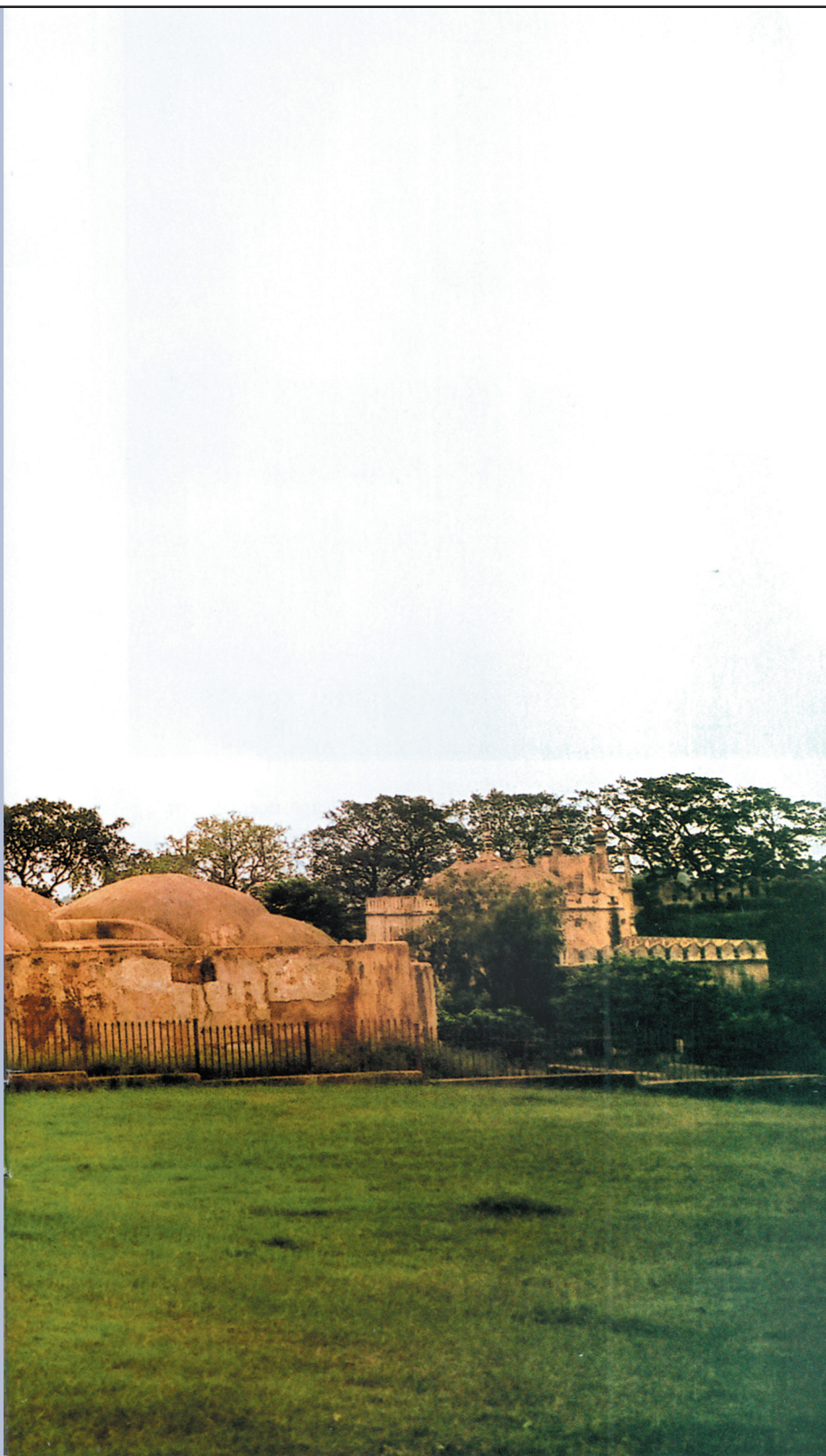
شهر جونپور در حدود سال ۱۳۸۸ م. هنگامی که فیروزشاه تغلق،

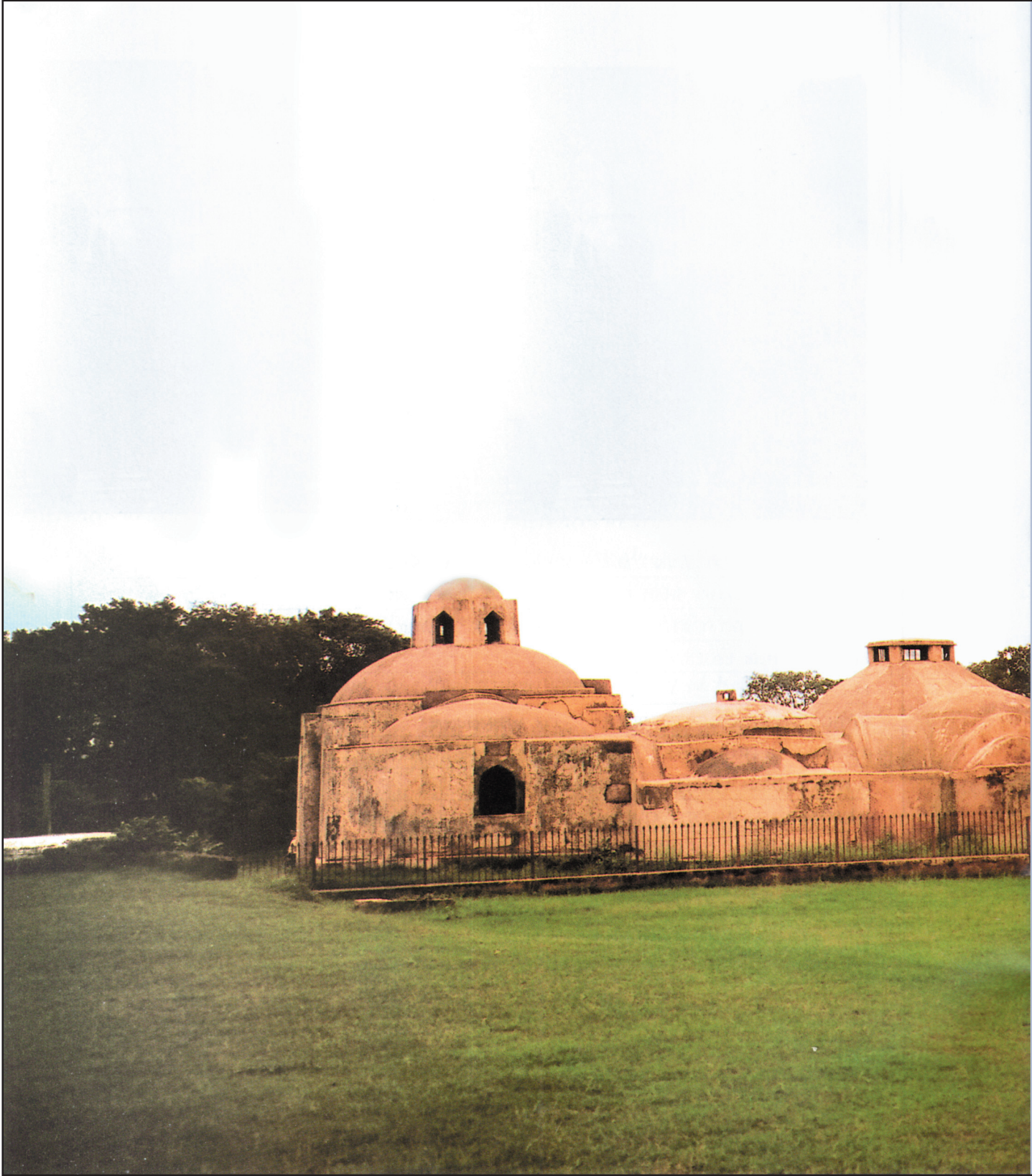


پل اکبری

ملک الشرق" را به دست آورد. او مرکز حکومتی اش را در جونیپور مستقر کرد. او و جانشینانش به عنوان پادشاهان شرقی معروف شدند. حکومت فرمانروایان شرقی که در اود و تیرهوت و بیهار گسترده بود برای مدت نزدیک به یک قرن ادامه داشت. در مدت حکومت آنان شاعران و هنرمندان و پیشه‌وران فراوانی به جونیپور روی آوردند، چون آنان پس از حملات مغول‌ها از دهلی فرار می‌کردند. علاوه بر این، این امر که پادشاهان شرقی حامیان بزرگ علم و دانش بودند به جونیپور کمک کرد که به یک مرکز مهمی تبدیل شود که در آن هنر و معماری رونق یافت و به جایی رسید که دیگر آن را "شیراز هند" می‌نامیدند.

جونیپور مورد حمله اسکندر لودی قرار گرفت و او بیشتر بناها را، به استثنای مساجد، خراب کرد. این مساجد جونیپور تنها یادآور سبک معماری شرقی هستند که زمانی معروف بود. با شکوه‌ترین مساجد مانند مسجد اتالا (Atala Mosque)، مسجد لال دروازه و مسجد جامع جزء بهترین بناهای تاریخی هستند که قبل از عهد مغول‌ها بنا شدند. این بناها بین سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۴۷۸ میلادی ساخته شدند. آنها را بر روی خرابه‌های معبد‌های قدیمی ساخته بودند و برای سبک معماری ترکیبی خود در خور توجه هستند. بعد از شکست خوردن لودی‌ها به دست مغول‌ها، جونیپور قسمتی از امپراتوری مغول‌ها گردید. امپراتور مغول، اکبر شاه، محمد منعم خان را در سال ۱۵۶۷م. به حکومت جونیپور منصوب کرد. منعم خان شهر جونیپور را که توسط لودی‌ها غارت شده بود به طور گسترده بازسازی کرد. او بر تعمیر پل شاهی بر روی





حمام ترکی داخل قلعہ جونپور



دروازه ورودی قلعه

شود. در سر شرقی پل در سواحل رود گومتی قلعه جونپور قرار دارد. این قلعه را فیروز شاه تغلق در سال ۱۳۶۰ میلادی در ناحیه ای که به نام " کرارکوت " معروف است، بنا نمود. در زمان حکوکت شرقی و فرمانروایان مغول تغییرات و اضافات ادامه داشت. قلعه جونپور اگر چه یک قلعه کوهستانی نیست روی تپه ای مصنوعی و در محلی سوق الجیشی ساخته شده بود. این امر لشکریان قلعه را قادر ساخته بود بر فعالیت مردم در نواحی نزدیک نظارت داشته باشند. این قلعه با لایه های تاق های کوچک آراسته است و دارای بالکن های بیرون آمده است. قلعه کوچک است اما خوب نگه داری شده است.

مجتمع قلعه شامل یک ستون قدیمی، یک مسجد و یک حمام است. از باروهای بلند قلعه مناظر خوب شهر جونپور به ویژه چشم انداز پل اکبری که بر روی گومتی قرار دارد و هم چنین گنبد مسجد اتالا که نقطه ای است در افق جونپور، دیده می شود.

در داخل قلعه، درست در مقابل دروازه ی شرقی مسجد کوچکی

رود گومتی نظارت کرد و در قلعه قدیمی تر اضافاتی نمود. جونپور مهمترین مرکز شرقی امپراتوری مغول باقی ماند تا این که لشکر اکبر شاه قلمروهای بیشتری را در جلگه های گنگ در هند شرقی فتح نمود.

برای دیدن قلعه و دیگر بناهای تاریخی جونپور که در قسمت قدیمی شهر قرار دارند آدم باید به وسیله " پل شاهی " که به " پل اکبری " نیز معروف است، از گوداوری عبور کند. خود این پل نیز یک نمونه معماری شگفت انگیز است. بر روی این پل کتیبه هایی وجود دارد که نشان می دهد این پل بین سال های ۱۵۶۴ و ۱۵۶۸ ساخته شده است. این پل دارای ده روزنه تاق نما است که به وسیله ستونهای عظیم نگه داری می شود. روی هر پایه آن کلاه فرنگی دارد که برای مردم استراحتگاه فراهم می کند. مردم معتقداند که اکبر شاه به منعم خان دستور داد که برای رفاه مردم این پل را بر روی گومتی بنا کند. پس از قرنهای بسیار، این پل هنوز هم مهمترین وسیله ارتباطی مابین جونپور قدیم و جونپور جدید است و به عنوان مهمترین بنای مغولی جونپور شناخته می



مسجد اتالا

مرکزی بلندترین است و ۲۳ متر ارتفاع دارد و بر دو ستون عظیم در دو طرف آن نگه داری می شود که به تمام ساختمان استحکام می بخشند. نمای گذرگاه ویژگی های ترکیبی معماری هند و اسلامی مانند حجاری های لطیف گیاهان رونده، گل رز و گل نیلوفر آبی و غیره را دارد.

گنبد مسجد که معمولاً در بناهای اسلامی بلندترین نقطه است وقتی از جلو دیده شود، در پشت گذرگاه طاقدار مخفی می شود. این یک ویژگی خاص معماری مساجد جونپور است.

مسجد جامع که بنا کننده آن حسین شاه آخرین پادشاه شرقی است، بزرگترین مسجد جونپور است که روی سکوی بلند و با حیاط ساخته شده است.

◆ نویسندگان: نویسندگان آزاد هستند.

● منبع: مجله انگلیسی India Perspectives، سپتامبر

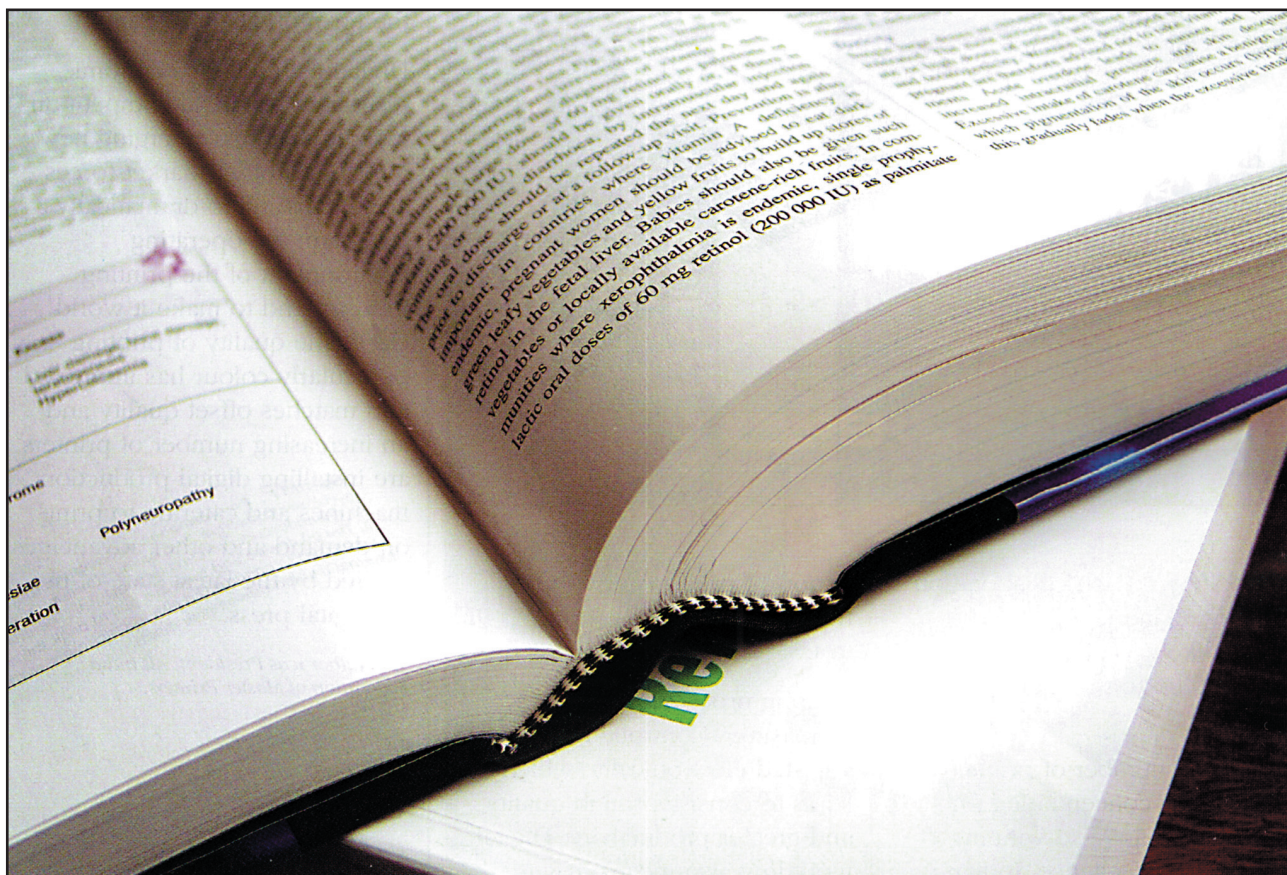
۲۰۰۵م.

قرار دارد. در پشت مسجد حمام است و این جالب ترین بنا در داخل قلعه است که بر سکویی در وسط مجتمع قلعه قرار دارد. این حمام به سبک حمام ترکی ساخته شده. ورودی آن از جانب شمال است که در یک تالار بزرگ مستطیل شکل باز می شود. روزنه ای در دیوار شرقی این تالار به اتاق های متعدد کوچک در اندازه های مختلف هدایت می کند. تالار و اتاق ها دارای گنبدهایی با ارتفاعات مختلف هستند. روزنه های کوچک در سقف دیوارهای تالار و اتاق ها تعبیه شده تا نور و هوای تازه برسد.

نزدیک قلعه، مسجد بسیار با شکوه جونپور، مسجد اتالا قرار دارد. پی این مسجد را فیروز شاه تغلق در سال ۱۳۷۶ میلادی ریخته بود. هر چند که ابراهیم شاه شرقی آن را در سال ۱۴۰۷ م. تکمیل کرد. این مسجد در محل یک معبد هندوان، که به نام اتالادیوی نامگذاری شده بود، واقع شده است و طبق طرح سنتی و مرسوم یک مسجد ساخته شده است. برجسته ترین ویژگی مسجد اتالا سردر نمازخانه است که شامل سه گذرگاه بزرگ تزیین یافته است. گذرگاه

قوانین کپی رایت در هند

از آنجا که هند با سرعت به سوی جهانی شدن پیش می رود، خلاقیت و ابتکار در همه ی اشکال هنری از تخطی های متعدد از کپی رایت یا حق مالکیت معنوی نیاز به حمایت دارد. گرچه قوانین کپی رایت کشور شدید و لازم الاجرا هستند، گروه های آسیب پذیر برای مدیریت مشترک کپی رایت نیاز به راه چاره ای دارند.



انواع بسیاری از بهره برداری ها از اثر که برای اهداف اجتماعی مانند آموزش و پرورش، رسومات مذهبی و غیره هستند، از عملکرد حقوقی که در قانون تخصیص یافته است، معاف هستند. قانون کپی رایت به صاحبان اثر، دسته ای از حقوق انحصاری اعطا می کند و آنها را قادر می سازد تا با استفاده از حقوقشان در تکثیر، ارتباط با مردم، ترجمه، انتشار، واگذاری و غیره سود مالی به دست آورند. اگر هر یک از این کارها که مرتبط با آثار هستند، توسط شخصی به جز صاحب اثر بدون مجوز از مالک یا مقام صلاحیت دار طبق قانون انجام گیرد، جزء تجاوز به حق مالکیت معنوی اثر محسوب می شود.

قانون کپی رایت سال ۱۹۵۷ میلادی، اثر ادبی اصلی را از استفاده های غیر مجاز محافظت می کند. کپی رایت بر خلاف مسئله

کپی رایت، حقی قانونی است که به آفرینندگان آثار ادبی داده می شود. کپی رایت محافظت از حقوق نویسندگان بر خلاقیت هایشان را تضمین می کند و بدین وسیله از ابتکارات و خلاقیت آنان حمایت می کند و به آن ارجحیت می گذارد. در هر صورت، اگر حمایت از کپی رایت با قاطعیت به کار رود، می تواند مانع پیشرفت آن جامعه شود.

بنابراین، قوانین کپی رایت با استثنایها و محدودیت های لازم تصویب می شوند تا اطمینان حاصل شود که توازن بین منافع خالقان آثار و جامعه حفظ شود. برای رسیدن به توازن کارآمد و مناسب بین حقوق صاحبان کپی رایت و منافع اجتماع، استثنایهایی در قوانین وجود دارد.

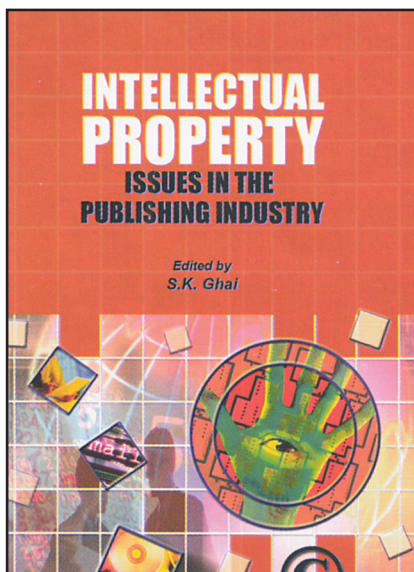
ی حق انحصاری اختراعات، از آثار حمایت می کند نه از ایده ها. هیچ نوع کپی رایتی در مورد ایده وجود ندارد. کپی رایت معمولاً از عناوین یا ایده ها یا مفاهیم خود آنان حمایت نمی کند. یک اثر برای دست یافتن به حمایت کپی رایت باید نسخه ی اصلی باشد. " اثر نویسندگی مشترک " به معنای اثری است که با همکاری و مشارکت دو یا چند نویسنده به وجود می آید که در آن سهم و مشارکت یک نویسنده از دیگری مجزا نیست. کپی رایت در مورد آثار ادبی اصلی در سراسر هند وجود دارد. به طور معمول نویسنده اولین مالک کپی رایت در مورد یک اثر است. دولت، در مورد اثر دولتی اولین مالک کپی رایت خواهد بود. در مورد اثری که مردم به عهده گرفته باشند، آنها اولین مالک کپی رایت خواهند بود. درباره ی اثر ادبی که نویسنده در کار حرفه ایش با صاحب روزنامه، مجله یا فصلنامه ی مشابه تحت قرار داد خدمت یا کارآموزی به منظور انتشار در روزنامه، مجله، یا فصلنامه مشابه به وجود می آورد، مالک مذکور در نبود هرگونه توافق برخلاف آن، اولین مالک کپی رایت خواهد بود، اما در همه ی جنبه های دیگر، نویسنده اولین صاحب کپی رایت در مورد اثر خواهد بود. صاحب کپی رایت در یک اثر موجود یا صاحب آینده ی کپی رایت در اثر آینده ممکن است همه یا قسمتی از کپی رایت را به هر شخصی واگذار کند. این امر به صورت کتبی خواهد بود و با امضای واگذارکننده یا وکیل او و در حالی که واگذار شونده از حقوق واگذار شده به او در ظرف مدت یکسال از تاریخ واگذاری استفاده نکند، واگذاری در رابطه با چنین حقوقی پس از اتمام تاریخ مذکور باطل تلقی خواهد شد، مگر اینکه در واگذاری روشی دیگر مشخص شده باشد. اگر مدت زمان واگذاری ذکر نشود پنج سال از تاریخ واگذاری در نظر گرفته خواهد شد. اگر حدود قلمرو واگذاری مشخص نباشد، محدوده ی کل هند باید در نظر گرفته شود.

نویسنده ی اثر ممکن است همه یا هر یک از حقوقی را که شامل کپی رایت در اثر است، با اطلاع دادن به شکل مقرر به مأمور ثبت کپی رایت ها تغییر دهد. حقوق طبق نوع اثر تغییر می کند. همه ی حقوق اثر اصلی برای ترجمه نیز به کار می رود. حق تکثیر به طور معمول به این معنی است که هیچ شخصی نباید از اثر یا قسمت اصلی آن در هر صورت اساسی و عمده بدون اجازه ی مالک کپی رایت، یک کپی یا بیشتر به وجود آورد. عمومی ترین نوع تکثیر چاپ نشر اثری است. شخص نمی تواند اثری را با داشتن کپی رایت بدون اجازه از مالک کپی رایت ترجمه کند. کپی رایت، به محض اینکه اثر خلق می شود، به وجود می آید و هیچ تشریفاتی برای کسب کپی رایت لازم نیست. موارد ثبت شده در " ثبت کپی رایت ها " به

عنوان مدرکی محکمه پسند (Prima Facie) در دادگاه به کار می رود. اداره ی کپی رایت برای فراهم آوردن تسهیلات ثبت نام برای همه ی انواع آثار تأسیس شده است.

هم آثار منتشر شده و هم آثار انتشار نیافته می توانند ثبت شوند. کپی رایت در آثاری که قبل از قانون کپی رایت - که در سال ۱۹۵۷ میلادی اجباری شد - منتشر شدند نیز می توانند ثبت شوند؛ به شرط اینکه آثار هنوز کپی رایت داشته باشند. هنگامیکه اثری به عنوان انتشار نشده ثبت شده باشد و سپس منتشر شود، متقاضی می تواند خواستار تغییراتی در جزئیات وارده در ثبت کپی رایت با تکمیل فرم V با هزینه ی مقرر شود. کپی رایت برای مدت زمان محدودی حمایت می شود. مدت حمایت از کپی رایت در آثار ادبی، نمایشی، موسیقایی و هنری حیات ۶۰ سال است. دولت، انجمن مشورتی اجرای کپی رایت (CEAC) را تشکیل داده است تا پیشرفت اجرای قانون کپی رایت را به صورت دوره ای بررسی کند و به دولت پیشنهاد دهد تا اقداماتی برای بهبود اجرای قانون در نظر بگیرد. همه ی دولت های ایالتی و قلمروهای زیر نظر دولت مرکزی، بدین منظور کانون های اجرایی تأسیس کرده اند و مأموران نودال (Nodal) را نیز برای رسیدگی به مسائل اجرایی منصوب کرده اند. هیچ دادگاه خاصی برای موارد کپی رایت وجود ندارد. دادگاه های معمولی این موارد را محاکمه می کنند. قانون کپی رایت، گروهی شبه قضایی با نام هیأت کپی رایت برای قضاوت درباره ی انواع خاص موارد کپی رایت ایجاد می کند. هنگامی که مأمور کپی رایت ها دعوی حقوقی را تحت قانون آیین دادرسی مدنی محاکمه می کند، دارای اختیارات دادگاه مدنی است.

کپی رایت تبعه های کشورهای که عضو پیمان برن (Berne) برای





تخطی از حقوق اخلاقی نویسنده در نظر گرفته شود. اگر شخصی برای سود اجازه دهد تا از هر مکانی برای ارتباط اثر با مردم استفاده شود، در جایی که چنین ارتباطی تخطی از کپی راییت در اثر را به وجود آورد، این طور تلقی خواهد شد که او طبق قانون کپی راییت مرتکب جرم شده است.

مالک کپی راییت می تواند علیه هر شخصی که از کپی راییت در اثر تخطی کند، اقدام قانونی انجام دهد. دادگاه بخش مورد نظر در باره ی دعاوی مدنی در ارتباط با تخطی از قانون کپی راییت صلاحیت قضاوت دارد. در جایی که در مورد اثر ادبی، نام ادعا شده که متعلق به آن نویسنده یا ناشر باشد، بر کپی های اثر هنگامی که منتشر می شوند، ذکر می شود، این طور فرض می شود که متعلق به نویسنده یا ناشر اثر باشد. در جایی که شخصی ادعا می کند که مالک کپی راییت است، به شخص دیگری برای اقدامات قانونی هشدار می دهد، شخص زیان دیده ممکن است، دست به دعوی قاطعانه ای بزند که تخطی ادعا شده، تخطی آگاهانه از قانون کپی راییت بوده و جرمی جزایی است. تخطی از کپی راییت جرمی جزایی است. مأمور پلیسی که درجه اش پایین تر از معاون بازرس نباشد می تواند بدون حکم، همه ی کپی های اثر را توقیف کند. دادگاه ممکن است دستور به برگرداندن همه ی این کپی ها یا زینک به مالک کپی راییت دهد. هر شخصی که در زمان ارتکاب جرم، مسئول اداره ی تجارت شرکت باشد و نیز شرکت در چنین جرمی مقصر خواهد بود. هیچ دادگاهی، به جز قاضی دادگاه پایتخت یا قاضی قضایی درجه یک جرمی را تحت قانون کپی راییت محاکمه نخواهد کرد.

♦ برگزیده از کتاب جیبی قانون کپی راییت، وزارت توسعه ی منابع انسانی، بخش کپی راییت، دولت هند.

حمایت از آثار هنری و ادبی و پیمان جهانی کپی راییت و قرارداد تریپس (Trips) هستند از طریق حکم بین المللی کپی راییت در هند حمایت می شوند. هند برای جلب حمایت از آثار هندی در کشورهای خارجی، عضو پیمان های بین المللی در مورد کپی راییت و حقوق مربوط به آن شده است.

اداره ی مشترک کپی راییت مفهومی است که مدیریت و حمایت از کپی راییت در آثار به وسیله ی انجمن صاحبان چنین آثاری به عهده گرفته می شود. بدیهی است که هیچ مالک کپی راییتی در هر اثری نمی تواند از همه ی استفاده هایی که دیگران از اثرش می کنند مطلع باشد. هنگامی که کسی عضو یک انجمن ملی کپی راییت می شود، آن انجمن به دلیل تسهیلات و نیروی سازمانی اش، می تواند نسبت به استفاده هایی که از آن اثر در سراسر کشور می شود، مراقبت بهتری انجام دهد و از استفاده کنندگان از آن آثار حق آثار مربوط را بدست آورد.

انجمن کپی راییت، انجمن مشترک اجرایی ثبت شده است. چنین انجمنی از صاحبان کپی راییت تشکیل می شود. انجمن های به ثبت رسیده ی کپی راییت در هند وجود دارد. در بسیاری از موارد گرفتن مجوزهایی از بیش از یک انجمن ضروری است.

نویسنده ی اثر حق دارد تا ادعای نویسندگی اثر را بکند و در رابطه با هرگونه تحریف، جلوگیری یا ادعای خسارت بکند. حقوق اخلاقی برای نویسندگان حتی پس از اینکه حقوق اقتصادی واگذار شوند، وجود دارد. حقوق اخلاقی مستقل از کپی راییت نویسنده است و با او حتی پس از واگذاری کپی راییت باقی می ماند.

قصور در نمایش یک اثر یا نمایش آن برای رضایت نویسنده، نباید

برنامه فارسی رادیو دهلی

برنامه صبح از ساعت هشت و نیم تا نه به وقت تهران، روی امواج کوتاه ۱۹ متر برابر با ردیف های ۱۱۷۳، ۱۵۷۷۰ و ۱۷۸۴۵ کیلوهرتز

- ۸/۳۰ آغاز برنامه
- ۸/۳۱ یک آهنگ هندی / تلاوت قرآن مجید (روزهای جمعه)
- ۸/۳۵ اخبار هند و جهان
- ۸/۴۵ برنامه ترانه های فیلم هندی / برنامه روحانی (پنج شنبه ها)
- ۹/۰۰ برنامه ترانه غیر فیلمی (جمعه ها) / برنامه ترانه های قدیم (شنبه ها)

برنامه شب از ساعت ۲۰/۴۵ تا ساعت ۲۳/۰۰ به وقت تهران روی امواج کوتاه ۳۰ و ۴۱ متر برابر با ۷۱۱۵، ۹۹۰۵ و ۱۱۵۸۵ کیلوهرتز

- ۲۰/۴۵ آغاز برنامه
- ۲۰/۴۶ آهنگ هندی / تلاوت قرآن مجید (جمعه شب ها)
- ۲۰/۵۰ اخبار هند و جهان
- ۲۱/۰۰ ترانه فیلم هندی
- ۲۱/۰۵ تفسیر روز
- ۲۱/۱۰ موسیقی اصیل هندی
- ۲۱/۱۵ بررسی جراید هند
- ۲۱/۲۰ گفتار (یک شنبه و سه شنبه) / برنامه ادبی (دوشنبه ها) / گل های رنگارنگ (چهارشنبه شب ها) / برنامه قوالی (پنج شنبه شب ها) / برنامه سرودهای محلی (جمعه شب ها) / جهان سینما (شنبه شب ها) / بررسی فیلم ها - برنامه راجع به یک شخصیت فیلم هندی
- ۲۱/۳۰ برنامه قوالی و برنامه نوای هند (یکشنبه شب ها) / برنامه ترانه های یک فیلم هندی (سه شنبه شب ها) - ترانه یک هنرمند (شنبه شب ها)
- ۲۱/۴۰ برنامه غزل (پنج شنبه شب ها)
- ۲۱/۵۵ برگزیده اخبار
- ۲۳/۰۰ پایان برنامه

اگر مایل باشید مکاتبه کنید می توانید نامه های خود را به یکی از دو نشانی زیر ارسال دارید :
رئیس بخش فارسی رادیو دهلی
توسط سفارت هند - تهران، خیابان میرعماد، شماره ۴۶

Incharge

Persian Unit, External Services Division, All India Radio, Room No. 515, New B' Casting House,
Sansad Marg, New Delhi - 110001 India

اطلاعیه

بدین وسیله به اطلاع می رسد که رادیو و تلویزیون سراسری هند برنامه اخبار خود را به صورت آنلاین آغاز کرده اند.
وب سایت ها از قرار زیر است :

<http://www.newsonair.nic.in>

<http://www.newsonair.com>

ویژگی خاص این وب سایت ماهیت چند زبانه آن است. بازدید کنندگان می توانند نه تنها برنامه های خبری را به زبان های انگلیسی و هندی بلکه به شانزده زبان منطقه ای از جمله پنجابی را نیز گوش دهند. به غیر از اخبار فرمت شنیداری مزیت استفاده از صورت ساده و استاندارد زبانهای مربوط را دارد که می تواند برای نوآموزان و مشتاقان زبان سرمشق باشد.
امیدواریم که این وب سایت ها برای دوستداران هند و کسانی که زبانهای هند را می آموزند مورد علاقه فراوان خواهد بود.

Aina-i-Hind

A Bimonthly Publication of Press and Cultural Section of Indian Embassy (Tehran)

No. 30, October 2009

